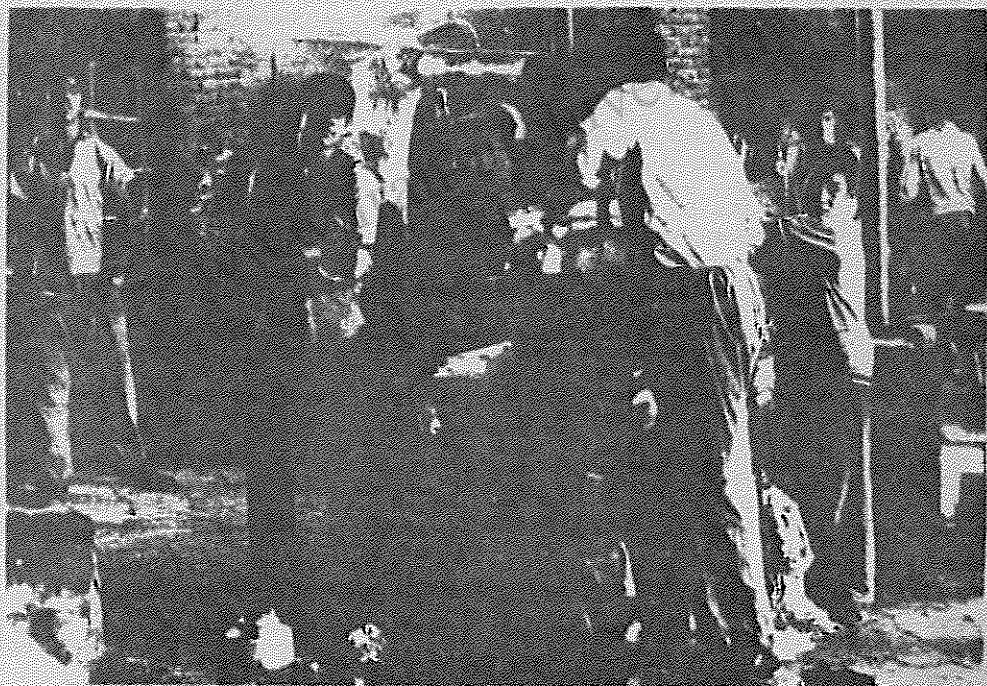


زندگی و مبارزات طبقه کارگر ایران



ضمیمه نامه پارسی

فهرست

- ۱- سرسخن
- ۲- ارزیابی کوتاه‌مدتی از جنبش کارگری
- ۳- قوانین کار
- ۴- دستمزد
- ۵- بیمه
- ۶- مسکن
- ۷- نگرشی کوتاه به مبارزات طبقه کارگر در چند سال اخیر

www.iran-archival.com



سمر سخن

هم اکنون شعله مبارزات قهرآمیز توده ای سراسر ایران را فرا گرفته است و می رود تا با تبدیل شدن به سیل بنیان کنی کاخهای ظلم و ستم را فروریخته و با سرنگونی رژیم فاشیستی شاه ایران نماینده طبقات ارتجاعی حاکم و سنگ زنجیری امپریالیسم امریکا ایرانی نویسنده بنا نهاد . طبقه کارگر قهرمان ایران با توشه ۷ سال مبارزه طبقاتی بی مانند همیشه در صف مقدم مبارزات حماسه آفرین کنونی قرار داشته و با وجود آنکه از فقدان ستاد پیشاهنگ خود یعنی حزب راستین طبقه کارگر رنج میبرد با دادن قربانی و جانبازیهای فراوان خصلت طبقاتی خود را ب معرض تبلیغ مجدد در گروان مبارزه توده ای گذاشته است . در این میان روشنفکران پرولتاریا با کوشش شبانه روزه سعی در هوار کردن راه برای ایجاد ستاد سیاسی طبقه دارند . شرکت انقلابیون پرولتاریا و پرچم سرخ آنان در مبارزات توده ای تبلیغ حرکت زیرشده این رهروان میباشد . شناخت و تحلیل درست از مبارزات طبقه کارگر در شرایط کنونی وظیفه برم تمام انقلابیون است . ما کوشش نموده ایم در این جزوه فرهنگی به وضع زندگی و مبارزات دوران ساز طبقه کارگر پرداخته و در سطح خبثت قدیمی در راه شناخت اوضاع اجتماعی - سیاسی - اقتصادی این طبقه برداریم . با وجود آنکه این کوشش بسیار ناقص و دارای کمبودهای بیشماری است ولیکن امیدواریم این خود مورد استفاده حداقل قرار گیرد .

بدیهی است که برخی از مواضع مطروحه در این جزوه نمی بایست بعنوان موضع گفتند راسیون جهانی تلقی گردند ، بلکه در چهارچوب گار فرهنگی ارزیابی شوند .

دبیرخانه فرهنگی گفتند راسیون جهانی

خبر داد ۵۷

ارزیابی کوتاهی از جنبش کارگری

طبقه کارگر میهن ما بیش از ۷۰ سال مبارزات درخشان و حماسه آفرین دارد. پرولتاریای ایران از بدو بوجود آمدنش تا کنون لحظه ای از مبارزه نایستاده و همواره در مقدم ترین صف جبهه خلق علیه امپریالیسم و ارتجاع بومی رزمیده است. پرولتاریای ایران در عصری متولد شده و بعنوان يك طبقه شکل گرفت که عصر رقابت آزاد سرمایه داری بیابان رسیده و جهان وارد عصر امپریالیسم گردیده بود. در چنین عصری کسب عصرگهدی و زوال سرمایه داری بوده و نتیجتاً امپریالیسم جهت جلوگیری از مرگ اجتناب ناپذیر خود، نسا شقاوت و سفاکی بمراتب دیدت از عصر رقابت آزاد عمل مینماید. در چنین عصری بود که پرولتاریای وطن مادر بطن جامعه ای که از یکسوی بقایای شدید ماقبل سرمایه داری دست بگریبان بوده و از سوی دیگری به بند سرمایه امپریالیستی متصل میگردد بوجود آمد. بوجود آمدن پرولتاریای ایران فصل تازه ای در مبارزه طبقاتی میهن ما گشود. امپریالیسم و عقال بومی آن با خمسی روبرو میشوند که در پروسه تکامل اجتماعی بوجود آنان می بایست پایان بخشد. براین اساس طبقه کارگر ایران از بدو بوجود آمدنش با ترور سرمایه مالی امپریالیستی و حادثین آن روبرو شد و امپریالیسم و ارتجاع بومی لحظه ای در سرکوب پرولتاریای وطن ما درنگ ننمود. اولین جوانه های مبارزاتی طبقه کارگر ایران اگر چه بخاطر فقدان آن ستاد فرماندهی که کلیه حرکاتش را منظم و متشکل سازند با شکست روبرو میشد و در واقع هنوز پرولتاریای ایران از يك طبقه "بخودی خود" به يك طبقه "برای خود" تبدیل نشده بود، مع هذا همان خیزشهای مقدماتی در وجدان طبقه اثر خود را نیز گذارده و توقف تشدید مبارزه را در ذهنش جایگزین میزد. انگلستان در مقدمه بر چاپ آلمانی مانیفست در سال ۱۸۹۵ ضمن تشریح مبانی مبارزه طبقه کارگر و توضیح حرکت اجتماعی وی مینویسد: "حوادث و زیر و بمهای مبارزه بر ضد سرمایه (رضناً شکستها بیش از فتح هم نمی توانست بکارگران نشان ندند که تا چه اندازه ان وسای اکتیرمانندی که تا آن زمان از بیروی میدردند بی برویاست و نمیتوانست مغزهای آنان را برای درک کاملتر شرایط واقعی و عینی رهایی طبقه کارگر آماده تر نکند" و عملاً نیز اینطور بود. در میهن ما پرولتاریا بعنوان يك طبقه در حال رشد و نوین نی توانست با ابزارهای مبارزاتی طبقات دیگری که در مقابل امپریالیسم و عمال بومیستان می ایستادند متوسل گردد. شکستها و ناکامیهای اولیه جنبش کارگری علی رغم تاثیر عینی که بر جنبش مردم میگذاشت در عین حال زمینه ای را که در ذهن پرولتاریا ایجاد میگشت و او را بدنبال اصلی ترین ابزار مبارزاتی خود به جستجو و امید داشت. بدنبال حزب واقعی خود، حزب طبقه کارگر ایران و بدین سان در جوشتر اولین خیزشهای طبقه کارگر ایران که همچنین مقارن با موج علمی از جنبش ملی مردم علیه امپریالیسم بود، حزب کمونیست ایسران برعبری حیدرخان عموغلو پدیدار گشت و بدین ترتیب طبقه کارگر جوان ایران را بزر برچم خورد متدانه هدایت خود گرفت. بوجود آمدن حزب کمونیست و شرکت وسیع طبقه کارگر ایران در انقلاب ملی و رهائی بخشن وطن ما سیاسی جامعه ما را بنگی دگرگون ساخت. دگرگونی ای که تا امروز اثرات عمیق خود را برجای گذاشته و سنتهای عمیقاً انقلابی را به طبقه کارگر ایران متعلق میسازد. در این مدت فراز و نشیبهای فراوانی گذشته اند، افت و خیزها، شکستها و پیروزیها، این مدت طبقه کارگر ایران را اندیده تر نموده اند. "پرولتاریا مراحل گوناگون رشد و تکامل را میپیماید. مبارزه اثر بر ضد بیوزاری موازی با زندگی آغاز میگردد." (مانیفست) پرولتاریای ایران نیز از بدو

پیدايش خود در مسير اين مبارزه قرار گرفته و مراحل گوناگون رشد و تکامل را پيموده است . لطف کارگر ايران جنبش گيلان را دیده ، حکومت دموکراتیک اندرمايجان و کردستان را تجربه کرده ، در مبارزات ملی شدن صنعت نفت شرکت نموده و سايه شوم کودتای ۲۸ مرداد را نیز در زندگيش لمس کرده است . بنابراین در ميهن ما پرولتاریائی وجود دارد که کوله بار ستیز از تجربیات تلخ و شیرین زندگی طبقاتی را با خود حمل کرده و نسل به نسل انتقال می دهد . با کودتای ۲۸ مرداد جنبش کارگری ایران مانند سایر جنبشهای طبقات خلقی بشديدترین وجهی سرکوب گردید و بهترین فرزندان طبقه کارگر نظیر **آلماسی** ، وارطان ، کوچک شوشتری و خسروروزبه روانه میدانهای تیر رژیم شاه گشتند . هنوز چند وقتی نگذشته بود که پرولتاریای ایران سکوت بعد از کودتا را در هم شکست و فریاد رزمجیانه خود را در ظلمت سالهای بعد از کودتا طنین انداخت که مهترین این مبارزات را ستیان مبارزه کارگران نساجی تهران واصفهان و کرج و کارگران کوره پزخانه های ایران نامید . علی رغم اینکه سالهای سیاه بعد از کودتا برای جنبه کارگر ایران به قیمت از دست دادن بهترین فرزندانش تمام شد و با وجود آنکه خبر سیاه استبداد و خفقان فاشیستی محدرضا شاه ابتدائی ترین حقوق او را نیز سلب نمود ، معهذا پرولتاریای ایران مشعل فروزان مبارزه طبقاتی را بر زمین نگذاشت و با دلوری شورانگیزی به مبارزه خود ادامه داد . در جریان سالهای " انقلاب سفید " جنبش کارگری ایران در مقابل توطئه های امپریالیسم امریکا یعنی بر سهیم شدن کارگران در سود کارخانهات قدح نمود و از همان آغاز روشن بود که کارگران ایران فریب این دغلکاری ارتجاع را نخواهند خورد . با شکست فاحش " انقلاب سفید " و افزایش ترور و خفقان فاشیستی در ميهن ، وهجمنین انتقال بار بحرانی که امپریالیسم را در هم پیچیده ، مبارزات خلق و از جمله پرولتاریای وطن ما ر شده و گسترش چشمگیری یافت . در بستر تشدید تضادهای طبقاتی و در دامنه گسترده شدن خیل بی چیزان وطن و در این رابطه فقر و فلاکت و یکتا پیراهنی روز افزونی که خلق را فرا گرفته است ، مبارزه پرولتاریای ایران گرمی بخت قلب همه رهروان جنبش مردم است . نمایشات و اعتراضاتی که پرولتاریای وطن ما علیه حکومت جبار و وابسته پهلوی این سنگ زنجیری امپریالیسم امریکا در چند ساله اخیر از خود نشان داده است ، از يك سو میبین بیداری و آگاه دلی این طبقه و از سوی دیگر پاسخ شایسته به تئوریهها و اطمینانهای است که هنوز در صد دند با اختراع راههای مبارزاتی جدا از کارگران ، باصصلاح روح مبارزه در آنان را بندند .

جنبش کارگری بر اساس خصائل ویژه پرولتاریا و در بستر مناسبات بین کار و سرمایه است که ریشه میگیرد ، جوانه میزند و رشد کرده و به نهال نیرومندی تبدیل میگردد . فزاینده گی و گسترش داشته دار جنبش کارگری ایران در سالهای اخیر حاصل تشدید تضادهای طبقاتی ، حاصل قطعی تر شدن هرچه بیشتر اقتدار و لبتات خلقی و ضد خلق و سرانجام حاصل وضع و موقعیت طبقاتی کارگران است و نه جز این . و بالاتر اینکه نه بخاطر این یا آن تئوری شی مبارزه جدا از طبقه - انجنان که بیتر از هفت سال است که تجربه شده و نهایی نداده است . سببم جنبش کارگری ایران دارای چه خصوصیتی است . جنبش کارگری وطن ما خود بخودی است . هنوز غریزه خود بخودی کارگران در امر مبارزه علیه سرمایه دار و نه سرمایه داری خصوصیت برجسته آن است . این بدان معنی است که جنبشهای اعتصابی و اعتراضی کارگران هنوز در زیر پرچم ایدئولوژی بورژوازی قرار دارد و قادر به درک سوسالیستی از مجموعه روابط بین طبقات در نظام حاکم نیستند ، همنسوز کارگـران قادر نیستند

ساختناخت علمی سوسیالیستی از مجموعه مکانیسم تولید و توزیع جامعه تانکینک و استراتژی جنبش کارگری را تدوین نموده و دورنمای با شکوه پرولتاریا در کبیدن نظام طبقاتی را ترسیم کنند. عمدتاً مبارزاتی که انجام میپذیرند در چهارچوب تحریک این یا آن خواست معیشتی بوده و مستقیماً با آنچه که با زندگی روزمره و کارروزانه تماس دارد مربوطند. چنین جنبش اعتصابی در عین اینکه از طرف بزرگان کارگری بنام دانشگاه انقلاب خوانده میشوند، منتها بدلیل خصلت خود بخودی و غیرزیاد و نتیجتاً بخاطر عدم خودآگاهی طبقاتی قادر بدگرگون ساختن همه جانبه نظام حاکم نیستند. در این اعتصابات که اکثراً بوسیله فزاتان و سگان درنده خوی رژیم بطرز خونینی در هم شکسته و به قیمت شهدای زیادی تمام میگردد، پرولتاریای ایران پرورش بدست بر توان دانش طبقاتی اثر نیست و بر این اساس حتی در صورت پیروزی باین یا آن تحول کوتاه و زودگذر - باین یا آن خواست مطالباتی روزمره میسرند و نه جز این. بقول بنیان گذار سوسیالیسم علمی "گاه گاه کارگران پیروز میشوند ولی این پیروزیها تنها پیروزیهای گذرنده است. نتیجه واقعی مبارزه آنان کامیابی بلا واسطه آنان نیست، بلکه اتحاد کارگران است که عموماً در حال نضح است." (مانیفست) و در واقع نیز اینگونه است. جنبش خود بخودی کارگران در کشور ما کارگران را بنسبورت مبارزه متحد و همبسته آنها ساخته و آنانرا روز بروز بیدان مبارزه هممتر میکشاند. اما این آخرین حدی است که جنبش خود جوش کارگران میتوان مستمر بود. این مسئله باین معنی است که اگر چه جنبش کارگری خود بر اساس مناسبات معین کارگر و سرمایه دار دامن میگردد، اما معرفت سوسیالیستی پرولتاریا در روند خود بخودی این جنبش بطور خود جوش از آن حاصل نگشته و محتاج اهم معین دیگری است. لنین در ایپاره پارها و بارها متذکر گشت که آگاهی و دانش طبقاتی پرولتاریا نه از درون جنبش خود بخودی فرا میروید، بلکه بر عکس از بیرون و بوسیله روشنفکران پرولتری بدرون جنبش کارگران حمل میشود. در چنین صورتی است که خود آگاهی طبقاتی با جنبش خود روی کارگری مزوج میشود و از استخراج آن اسلحه نیرومند انقلاب فرا میروید و پرولتاریا را بدل به طبقه ای "برای خود" میکند. در سپین ما عنوز این مسئله انجام نپذیرفته و همین کارگران از محالیم آموزش رهایی خود محروم میباشند.

جنبش کارگری و آن ما اگر چه عمدتاً اعتصابی و اقتصادی است، معیناً بسرعت این زمینه ابتدائی را تسرک نموده و مبارزه سیاسی تبدیل میشود. در کشوری که ساطور تصابی رژیم پهلوی سلاخی میکند و حمام خون براه می - اندازد، در جامعه ای که فاشیسم رستاخیزی پنجه سیاه و شوش را بر همه شئون زندگی خلق دراز نموده و سازمان شیائویی "امنیت" زندگی نوده های میلیونی را بنیازد، در کشوری که ارتش و پلیس، قوه قضائیه و قانون، همه و همه در خدمت اهداف منتهی قلیل سرمایه دار وابسته و زمیندار بزرگ و ارباب امپریالیستی آنها قرار دارد، در چنین کشوری هر موج اعتصابی، هر تظایر کارگری در اولین حرکات خود با قهر ضد انقلابی رژیم روبرو گشته و سرکوب میگردد. بارها ننده است که حتی کوچکترین حج بیج کارگران با زندان و شکنجه پاسخ داده میشود. در چنین شرایطی اعتصابات کارگری بسرعت از حدود خواسته های معیشتی خود فزاتر رفته و به مبارزه ای ضد رژیم و سیاسی تبدیل میگردد. خصوصیت بسیار چشمگیر جنبش اعتصابی کارگران در دو سال اخیر موبد این روند نوید آفرین بوده و اکثر اعتمادات به سطح شعارهای "شک بر شاه"، "کارگر - دهقان - دانشجو" و "یا مرگ یا آزادی" ارتقا یافته اند. خصوصیت دیگر جنبش کارگری وطن ما تا دم و گسترده گی آن است. در سالهای اولیه پس از "انقلاب سفید" و

سرکوب خونین جنبش سپهبدان ما با تک جوشهائی روبرو بود، در چند ساله اخیر بموازات رشد کمی پرولتاریا و همچنین زور فزونی بحران اقتصادی جامعه، اعتصابات حالت زنجیره ای را پیدا نموده و نه در یک منطقه بلکه سطح وسیعی از مناطق صنعتی و تولیدی را پیمانده است. بارها اتفاق افتاده که در یک کارخانه در طول سال پیش از پنج بار اعتصاب رخ داده است. در کنار این تداوم یک خصوصیت دیگر در حال شکل گیری میباشد و آن طرح خواستهای مشترک در جریان اعتصابات یک بخش از رشته های تولید است. این بدان معنی است که خواست این یا آن تغییر محدود به یک کارخانه نگشته، بلکه بوسیله کارگران کارخانه های دیگر از همان رشته تولیدی پشتیبانی شده و حتی چندین بار در سال پیش اتفاق افتاده است که اعتصابی در یک کارخانه مانند حریتی بآرخانجات دیگر سرایت کرده و تعداد گشتری از کارگران را بعد از مبارزه جلب نموده است. اینها هستند خصوصیات جنبش کارگری وطن ما در کلیتین بیان خود. رشد جنبش کارگری در چند سال اخیر ابعاد تازه ای را در مسائل جنبش خلق بوجود آورده است. این یک ضرورت تاریخی و الزام آوری باشد که پرولتاریا در رأس جنبش توده ها قرار گیرد. دموکراسیم طبقه کارگر قاطعترین دموکراسی است که بشریت تاکنون بخود ندیده است. در انقلاب دموکراتیک و ملی خلق ایران چنانچه مهر دموکراسیم پرولتاریائی نقش بندد، سپهبدان ما بسرعت بسوی شکوفائی و تعالی موجود بشریت رهسپار شده و همه بندهای استثمار انسان از انسان را در هم میکند. جنبش کارگری وطن ما دارای انجمن پتانسیلی است که قادر است در روند خود آگاهی خود بنیروی شگرف رهبری انقلاب تبدیل گردد و ایران را از وادود کیف امپریالیسم و نوکراتش بزدايد. امروز کارگر طبقه کارگر جهانی میگوید "کلیه جنبشهایی که تا کنون وجود داشته یا جنبش اقلیتها بوده و یا خود بسود اقلیتها انجام میگرفته است. جنبش پرولتاریا جنبش مستقل اکثریتی عظیم است که بسود اکثریت عظیم انجام میپذیرد." (مانیفست). در واقعیت نیز اینگونه است. سپهبدان ما تا کنون نگاره این مصیبت را که طبقه کارگر در رأس جنبش خلق قرار نداشته، بارها و بارها داده است. اینک هنگام آن فرا رسیده است که پرولتاریای کبیر ایران با جمع بندی از همه تجارب تلخ و شیرین خود، بانه دوین تاکنیک و استراتژی انقلاب ایران در رأس نبرد توده های ملیتی خلق قرار گیرد و کشتی انقلاب را بساحل پیروزی هدایت نماید. برای انجام این رسالت تاریخی طبقه کارگر احتیاج به ابزار سیاسی تشکیلاتی خود دارد. تشکیلات امری که وحدت ایدئولوژیک، وحدت برنامه، وحدت فرماندهی، وحدت سیاست پرولتاریا را تامین و تضمین نموده و او را و خلق را در پیچ و خمهای ناشناخته و شناخته انقلاب برعمون گردد. طبقه کارگر وطن ما از فقدان این امر رنج فراوان میبرد و کفاره اثر را با خون میپردازد. در مقابل تحقق این امر دو جریان متقابل هم ایستادگی میکنند: یکم آنان که تمام عسنان صرف هضم و تکریم در مقابل خود جونس کارگری بوده و مجذوب جنبش خود بخودی میباشند، اینان کسانی هستند که سیاست را از طبقه کارگر گرفته و او را در چهارچوب محدود و تنگ این و یا آن خواست معیشتی محدود میسازند و نتیجتا پرولتاریا را بشکن سیستم حاکم و ایدئولوژی بورژوازی فرا میخوانند. دوم آنان که بحیال خود قادر اند از کنار جنبش کارگری و از باصلاح لوله تفنگ در جنبش کارگری روح سوسیالیستی ندیده و انرا آگاه سازند. اینان کسانی هستند که علی رضم خواست عمیقشان در خدمت توده ها و طبقه کارگر، عملا در جریان جنبشهای کارگری ناظر و تماشای غیر فعال میباشند. لنین میگوید:

"خواستار تکامل سیاسی و تشکیلات سیاسی طبقه کارگر بودن - این است مهمترین و اصولی ترین و لئیه ما، مخرج

که باین وظیفه بی توجهی کند، همه و تبلیغ کوچک و متد های جداگانه مبارزه را بخدمت ان در نیارود، در راه غلطی گاه بر میدارد و به جنبش ضررهای جدی میرساند. اولاً از طرف کسانی باین وظیفه بی توجهی میشود که از انقلابیون خواستارند تا با نیروی جداگانه فردی، جدا از جنبش کارگری در حوزه های توطئه چینی علیه حکومت مبارزه کنند، ثانیاً باین و اینکه از طرف کسانی بی توجهی میشود که محتوی و چهار چوب تبلیغات، ترویج و تشکیلات سیاسی را محدود میکنند، افرادی که بیشتر از حد در این نگرند که مبارزه سیاسی علیه استبداد را با شعارهای کسب آزادیهای نسبی از استبداد معامله کنند. " نگاه بی آنچه که در جنبش خلق میگردد، شاهد این مدعاست که هم اکنون جنبش کارگری ما شاهد هر دو قطب نامبرده بوده و هر دو تأثیرات معینی را باقی گذارده و میگذازند. جنبش کارگری ما بغير از طبقات ارتجاعی به نمایندگی باند فاشیستی شاه این سگ زنجیری امپریالیسم امریکا، دشمنان دیگری را نیز دارد که در سر راه او کمین نموده اند. اولاً جنبش کارگری وطن ما از طرف "کمیته مرکزی" ضد خلقی و ضد انقلابی تهدید میگردد. "کمیته مرکزی" با الصاق اتیکت "حزب طبقه کارگر ایران" گوش فراوان دارد تا در جنبش روبروند کارگری نفوذ نموده و انرا در جهت منافع استیلا طلبانه ابرقدرت روس بوجه الصالحه خود و طبقات ارتجاعی قرار دهد. اهداف شومی که این دارودسته عامل ابرقدرت روس تعقیب میکنند، با اهداف و ارمانهای طبقه کارگر ایران در تضاد استی تا پذیر بوده و طبقه کارگر ما را باین جاسوسان کرم‌پلینی کاری نیست.

دوما جنبش کارگری وطن ما را مدافعین سازش طبقاتی تحت عنوان تشوی "سه دنیا" تهدید میکنند. این باصطلاح مدافعین خلق میگویند که با هزار و یک خدعه و نیرنگ در هن پرولتاریای ایران را در مورد ماهیت رژیم ضد خلقی و ضد کارگری شاه مشوب نموده و او را در جبهه واحدی نگار رژیم و امریکا در مقابل ابرقدرت روس قرار دهند. هرزه درائی های آنها به ارمانهای پرولتاریا و کوشش ضد انقلابیشان جهت بوجود آوردن پایه توده ای از رژیم در بین طبقه کارگر و اشتی دادن خلقی با ارتجاع، چهره بنالاهر سرخ آنها را آشکار نموده و روشن میسازد که آنان جز نقی محلس بین خلق و ضد خلق و نقیر دیگری را بازی نمی نمایند.

بهر حال جنبش کارگری ما بیروند تا در میان اتشی و خون راه خود را هموار سازد و در مقابل همه کوششهای مرتجعین پیروز گردد. علی رغم اینکه این اواخر متشن رجاله سیاسی و عقب مانده باصطلاح ستاد سیاسی طبقه کارگر ایران را در مغز هلیل و پندارگرایانه خود تشکیل داده اند و علیرغم اینکه این شیان بد سرشت از همان برخی را ناروشن ساخته اند، منتها روند حرکت جنبش پر توان کارگری وطن ما بدناموست که سرانجام بهره‌بری طبقاتی خسود دست یابد و طومار رژیم را در هم نوردد.

رژیم سرسپرده ایران برای افزایش درجه بهره‌وری خود از نیروی کار کارگران شریف‌میهن ما و هم‌چنین بخاطر کنترل هر بیشتر آنان قوانین مخصوص‌بخود را نیز اعمال مینماید. در رابطه با افزایش بهره‌وری می‌بایست بخصوص باین مسئله اشاره نمود که در رابطه با بحران اقتصادی که داشگیر رژیم شاه شده است انگفا ندان موی نفت و همچنین تضمین خرجهای افسانه‌ای دربار و خرید اسلحه، ضرورت دارد که با طرح قوانین کارگران ایران بیش‌از پیش چاپیده شده و نیروی کارشان بصورت سودآورتری در اختیار امپریالیسم و عطل بوسی ان قرار گیرد. در مورد دوم یعنی مسئله کنترل کارگران از طرف رژیم نیز جریان واقعی وحشت‌ناک حد رژیم از جنبش‌روبرشد کارگری را نشان می‌دهد. رشد اعتصابات و اعتراضات کارگری در سه سال اخیر رژیم را وادار به طرح و انجام قوانینی نموده است که بوسیله آنها کارگران مجاز بصورت "قانونی" سرکوب‌گردند. در این بخش به پاره‌ای از قوانین رژیم که به انجام دو مسئله بالاخذت می‌نماید اشاره می‌کنیم!

۱- طرح جدید ارزشیابی دستمزدها

در شرایط رژیم سفاک پهلوی مزدی که به کارگران دل‌آور وطن ما داده می‌شود حتی کفایک زندگی بخیر و نعیر را نموده و ارزش واقعی ان برانطباق بین تراز سطح حداقل هزینه زندگی می‌باشد. مصداق رژیم دستمزدها پهلوی می‌گوشد با هزار و یک بند "قانونی" هم از ارتقا سطح دستمزدها جلوگیری نموده و هم حتی دستمزدها را کاهش دهد. نارضایتی مزدوران امپریالیسم از همین چندرغازی که به کارگران پرداخته می‌شود از زبان خود رژیم شنیدنی است. خواندنیها این سخنگوی ساواک دراین مورد می‌نویسد "از کارگران کارمندان اداری ساخته اند که خود بخود ترضیع و اضافه حقوق و مزایای گوناگون میگیرند. حتی اگر سبزشان در تولید کاهش یابد." برای اینکه باصطلاح "ترضیع" و "اضافه حقوق" و "مزایای" کارگران وطن، در رابطه هر چه مستقیمتر با درجه استثمارشان (سبزشان در تولید) در آید، خواندنیها ادامه میدهد که "شورای عالی کار باید در تعیین حداقل دستمزدها با مسئولیت بیشتر و با یک دید اقتصادی عمل کند." این بدان معنی است که همین صنایع شاهی که به کارگران میهن ما درازا ساعتها کار طاقت فرسا بنام مزد پرداخت می‌شود و گویا "مزایا" نیز میبازند، از این پس بسا "مسئولیت" بیشتر پرداخته شود، یعنی کمتر پرداخت‌گردد، یعنی درجه سود سرمایه داران کلاش افزوده‌تر گردد، یعنی به فقر و یک لا قبائی کارگران اضافه شود "دید اقتصادی" که خواندنیها مورد نظرش است در واقع اندرزی به سرمایه داران دون صفت است که تا میتوانند کارگران را استثمار کنند و تا میتوانند بانان کمتر مزد بپردازند دراین مورد تهران اکونومیست این سخنگوی کمپرادورهای ایران مینویسد "دستمزدها را متوقف کنید. افزایش‌مزد‌ها عاظمی برای افزایش قیمتها است. بمعبارت دیگر افزایش‌مزد‌ها بیش از اندازه لازم صورت میگیرد." واقعیت اما چیست؟ این تئوری که افزایش‌مزد عامل افزایش قیمتهاست از زرادخانه سرمایه داری نشأت میگیرد، و الا کیست که نداند که قیمت کالا محصول مناسبات مبادله کالا است و خود از طریق هزار و یک بند به سرمایه داران که ابزار تولید کالا را در دست دارند بسته است و بستگی به مزد ناچیزی که به کارگران پرداخته می‌شود ندارد.

رژیم پهلوی با اصطلاح این طرح جدید خود در صدد است که از طریق محدود ساختن دستمزدها میزان

سود را افزایش داده و منتهی سرمایه دار مفت خور را فربه تر سازد . شاه سر دسته باند اشرار و راهزنان وابسته به امیرالیسم حتی پا را از این فراتر نهاده و خطاب به کارگران میهن ما میگوید " باید بیشتر کارکنند ، حتی دو برابر کارکنند " . برهم محمد رضاشاه جلال کارگران ایران می بایست بیشتر جان بکنند ، بیشتر عرق بریزند ، سریعتر زندگی خود را پشت ماشینهای تولید سود بیایان برسانند ، بخاطر آنکه هزار فاضل مرتجع و تا مغز استخوان وابسته به امیرالیسم بتوانند از قیل رنج آنان بجزر کثیف خود ادامه دهند . آری کارگران ایران میبایست بیشتر کارکنند ، دو برابر ، سه برابر ، صد برابر ، هزار برابر ، اما نه بخاطر سود اوری شما سگهای زنجیری امیرالیسم ، بلکه بخاطر آنکه تشنگ پیدا نموده ، متحد و همسته گشته و بزندگی انگل رجاله های درباری و اعوان و انصارشان خاتمه دهند . بهر حال ببینیم مزدوران رژیم در رابطه با طرح دستمزدها چگونه ادامه میدهند . با اجرای این طرح همان گونه که انتظار صرفت مزد کارگران کاهش یافت و از آنچه که بود بدتر شد . مزدوران رژیم می نویسند :

" در اثر این ارزشیابی دستمزده زیادی از کارگران بالا تشخیص داده شده و کاهش خواهد یافت " بدین ترتیب تمام جنجال که رژیم در رابطه با طرح مزبور برآه انداخته بود ، ماهیت ضد کارگری خود را آشکار ساخت . هدف اصلی همان بود که گفته شد ، یعنی تقلیل سطح دستمزدهای کارگران ، یعنی فروبی چیزی ضاعفانان و یعنی سود هر چه بیشتر را برای رژیم پهلوی . تنگ بر این رژیم باد .

۲- لغو " سود ویژه " و آئین نامه انضباطی

رژیم در سالهای " انقلاب سفید " جنجال زیادی پیرامون " سود ویژه " کارگران برآه انداخت ، همانقدر که در باره باصطلاح آزاد شدن دهقانان میهن از بند قنود الیسم داد سخن راند ، بهمان اندازه از محسنتات " سود ویژه " کارگران دروغ یافت . از همان آغاز روشن بود که این حقه رژیم در ماهیت امر چیزی جز یک دروغ و نیرنگ تازه نیست . در همان اولین سال بعد از " انقلاب سفید " برای کارگران وطن ، روشن شد که " سود ویژه " در واقع دسیسه ای - شرمناکه ای است که رژیم بخمال خود میخواست از آن استفاده نموده و از ناراضی عمیق کارگران بگاهد . بعد از مدتی سرمایه داران که خود قوانین و طرحها را ریخته و خود قوه اجرائیه را نیز در دست دارند به حقه های جدید - تری نیز رسیدند . از جمله برای آنکه سود واحدهای صنعتی و کارخانجات را یاقین جلوه دهند ، سلا یکی از انبار های کارخانه را آتش زده و بعد میزان " ضرری " را که از این بابت بتولیدات کارخانه و نتیجتا بر سود وارد میآید بر مراتب بیشتر از آنچه که واقعیت بود جلوه میدادند . باین ترتیب سود کارخانه در دفتر و استاد کارخانه بر مراتب کمتر از مقدار واقعی آن درج میگردد و نتیجتا میزان آن باصطلاح " سود ویژه " ای که کارگران آن کارخانه از کل سود خالص میبایستی دریافت نمایند نیز بر مراتب ناچیز میگشت . در تعداد زیادی از کارخانجات این حقه زده شد و سرمایه داران بموازات سخن پراکنی های زیاد در باره اهمیت " سود ویژه " راه بالا را رفتند . با تمعق بحران و رشد مبارزات کارگری رژیم مغرور شاه که شافع کپیبراد برهرا را بدون چون و چرا نمایندگی میکند بفر راههای تازه تری افتاد . " سود ویژه " به کسانی " پرداخت " میگردد که محاسن معینی را داشته باشند و آن در حلقه اول دارا بودن " انضباط " است . " انضباط " نیز از دیده رژیم وابسته به امیرالیسم نیز چیزی جز مطیع بودن ، چیزی جز سکوت در مقابل فجایع رژیم نیست . واقعیت این است که اعتراضات کارگران رژیم را کلافه نموده است و مسئله

"انضباط" در محیط کارخانه ها تئوریسینهای رژیم را ب فکر واداشته است . تهران اکنون بیست در این باره مینویسد :

"اگر بخواهیم مسائل موجوده نیروی کارگری را بترتیب ذکر کنیم بدون تردید فقدان انضباط اولین و مهمترین و حتی زیر بنای مسائل دیگر است " باید گفت که این افتخار طبقه کارگر ایران است که با " فقدان انضباط " خود ، که در واقع چیزی جز اعتراضات قهرمانانه نبی باشد ، روزگار شما را تیره ساخته و هراس برگ در دلان بوجود آورده است .

والا همه میدانند که اولین و مهمترین و حتی زیر بنای مسائل دیگر ، هیچ چیز نیست جز وجود منتهی عامل امیرالایم در میهن ، که زندگی خلق را سیاه میکند و چاره اساسی که باید انجام گیرد فقط نابود ساختن دستگاه ظلم و اجحاف ، دستگاه وطن فروش و خیانتکار پهلوی است .

بهر حال ادامه میدهم " انضباط " می بایستی معیار " مزایای " کارگران باشد و روی این اصل رژیم از قول رئیس اطاق باز رگانی و صنایع و معادن ایران میگوید : " اگر قرار باشد که کارگر را بحال خود بگذارید لطمه بر اقتصاد سلطت وارد خواهد شد " و خطابه سرمایه داران و برای اطمینان خاطر آنان میگوید : " چنانچه مسئله ای در داخل واحد ها بوجود آید ، بیدرتنگ وزارت کار و امور اجتماعی (یخوان ساواک) را مطلع فرمائید ، فوراً اقدام خواهد شد . . . آقایان ، مدبریت شدیدی را در کارخانه اجرا" فرمائید و اسوده خاطر بمانید " . این به چه مفهوم است ؟ یعنی بعضی اینک سرودهای در کارخانه ای برخاسته ، فوراً پلیس و ساواک بکشتان می نشاندند و سر و سینه کارگران را از هم میدردند . ولی این هنوز کافی نیست . رژیم میباید بیشتر از این چاره بیاندیشد و اینجاست که " سود ویژه " در رابطه با " انضباط " در مایه و گذشته از سرکوب خوئین هر " بی انضباطی " با عدم پرداخت " سود ویژه " نیز مجازات میگردد . رئیس اطاق باز رگانی و صنایع و معادن ایران در این مورد میگوید : " ما اسامال " سود ویژه " را بر اساس فرد ، سابقه کار و بر اساس کرائی و انضباط محاسبه کردیم " (تکیه از ماست) و ادامه میدهد : " با تشخیص کارفرما این مبلغ به کسانی پرداخت میشود که بیشتر فعالیت میکنند و جنس بیشتر تولید میکنند و علاقه بیشتری بکار دارند . " و از آنجائی که قطعاً کارگران در لایر میهن هیچگونه علاقه ای با افزایش سود سرمایه داران مرتجع ندارند ، بنابراین با " تشخیص کارفرمایان " " سود ویژه " نیز بانان پرداخت نخواهد گردید زیرا کارگران " انضباط " لازم را از خودشان نشان نداده اند . زهی بیشری .

می بینیم حکومت سرسپرده و فانیستی پهلوی میکوشد تا بدین وسیله مبارزات بحق زحمتکشان کشورمان را که دیگر از استثمار بیشرمانه سرمایه داران ، از یکتا پیراهن ، بی سکی و از قدری قداره بندهای گارد نظامی در کارخانه ها هتنگ آمده اند سرکوب نموده و با علم کردن " کمیته ویژه " که کارشان تنیه ، اخطار و توسیع ، مجازات و ضبط دستمزد چندین ریز کارگران بعنوان جریمه و آخرالامر اخراج آنها از کارخانه است ، مهر سکوت بر لبهای کارگران غیور بهشتان زضد و در ضمن بهانه ای باشد تا آن چند رغاز پولی که بعنوان " سود ویژه " از طرف سرمایه داران پرداخت می شده است را لغو نماید .

۳ - طرح " شناسنامه کار

بوجوب این طرح هر کارگری دارای شناسنامه مخصوص خود میگردد . هدف رژیم از این طرح کنترل سیاسی کارگران است . در شناسنامه مزبور هر عمل و هر تخلف کارگری قید گردیده و باصطلاح پرونده وی را قطور میکند .

روشن است که اگر کارگری که در يك اعتراض یا اعتصاب شرکت نموده و این عمل وی در شناسنامه اش قید گردد ، در صورتیکه بدستور ساواک از کارخانه مزبور اخراج شود ، در هیچ کارخانه دیگری پذیرفته نخواهد شد . کدام کارخانه است که کارگری با شناسنامه این چنینی را استخدام نماید . بنابراین هدف رژیم از طرح مزبور باز هیچ چیز نیست ، جز ارضاب کارگران ، جز افزایش فشار و ظلم بر آنان و جز تهدید آنان به اخراج و نتیجتاً درگوشه خیابان مردن . آیا کارگران وطن ما در مقابل این تهدید و ارضاب سرفروید میاورند ؟ مبارزه خونین و قهرمانانه ارتش کارگران ایران پاسخ روشنی است که این طبقه دلاور به رژیم فاشیستی شاه میدهد و نشاندهنده آن است که کارگران از این "شنا - سنامه ها" بیرونده سانی ها هراسی ندارند . رژیم در عین جریبه کردن کارگران مخلف و هم چنین قید موارد "بی انطباقی" آنان در "شناسنامه های" نامبرده ، مسئله دیگری را نیز تعقیب مینماید و آن ایجاد کمیسیونهای از مامورین ساواک که باصطلاح "نمایندگان کارگران" است . این کمیسیونها که نام "کمیته های ویژه" را بخود گرفته اند وظیفه دارند که به "تخلقات" کارگران رسیدگی کرده و آنها را جریبه نمایند . در عین حال "کمیته ویژه" مزبور ماموریت دارند که "کارگران" سربراه را مورد تشویق قرار داده و مزایای لازم را بانان بدهد ! کیهان آذرماه ۵۵ در این باره می نویسد : "هر يك از کارگران اعم از روزمزد و کارمزد ، تولیدی و غیر تولیدی که کاملاً مراتب مقرر در ائین نامه را در جهت حسن انجام کار را رعایت نمایند" ، بر طبق تشخیص کمیته رسیدگی هر شش ماه یکبار مورد تشویق قرار میگیرند . روشن است که منظور ماموران ساواک و رژیم است که همواره بنام "کارگران نمونه" مورد تشویق قرار بگیرند . والا روشن است که کارگران هیچگاه مورد "لطف" رژیم قرار نمیگیرند . مگر آنکه گلوله های ارتش شاه از سر "لطف طوگانه" سینه آنان را از هم دریده و بزندگی آنان که مرگ تدریجی است پایان بخشند . حال ببینیم پول لازم جهت تشویق ماموران ساواک که به لباس کارگران در آمده اند را چه کسی پرداخت میکند . این پول از جیب کارگران مبارز و کارگرانی که به اعتراض علیه رژیم دست زده اند و جریبه شده اند پرداخت میگردد ، مبالغ تشویقی از صندوق جریبه شدنگان پرداخته میشود . کیهان نامبرده در این باره می نویسد : "بر اساس ائین نامه انطباقی کارگران ، کلیه مبالغ جریبه شده و بعلاوه معادل آن توسط کارفرما در حساب مخصوص در بانک واریز شده و بصرف پاداش و تشویقهای که از طرف کمیته اتخاذ میگردد ، خواهد رسید . زهی بیشرو ! کارگران دلاور و مبارز می بایستی بخاطر اعتراضات خود جریبه شوند و تازه این کافی نیست ، از این پول جریبه آنان می بایست ماموران ساواک که "حسن علاقه در کار" دارند مورد تشویق قرار گیرند .

۴ - طرح "آموزش" کارگران

رژیم شاه از بسط و گسترش آشکار و ایده های انقلابی در بین کارگران شدیداً وحشت دارد . او بخوبی میدانند که ایده های پیشرو چنانچه در میان کارگران تبلیغ و ترویج شوند ، بدل به نیروی عظیمی میگردد که کوه را از جامیکند ، چه رسد به قلعه فرسوده ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی . براین اساس یکی از ابزارهایی که رژیم به آن احتیاج دارد ، تبلیغ "قانونی" ایده های فاشیستی و توجیه سلطنت در بین کارگران از طریق "آموزش" آنان است . در این رابطه کمیته های "رستاخیز" در کارخانه ها که زیر نظر ساواک هدایت میشوند و بوسیله ماموران ساواک بوجود می آیند ، وظیفه "آموزش" ایدئولوژی فاشیستی و بان آریایی به کارگران را به عهده گرفته است . کیهان ۱۹

دیماه ۵۵ در این باره من نویسد : " ویژگیهای نظام شاهنشاهی بعنوان آموزش سیاسی ، از طریق کمیته ای که بدستور منوچهر آزمون وزیر کار و امور اجتماعی در کارخانجات سراسر کشور تشکیل میشود به ۱ میلیون کارگر شناسانده خواهد شد . " کمیته ای که در اینجا مورد نظر است ، همان کمیته ماموران ساواک است که به جاهه مریدان فاشیسم رستاخیزی درآمده و به کارگران " آموزش سیاسی " میدهد . ولی رژیم کور خوانده است . سالها پیش حزب نازی آلمان و فلاتونهای اسپانیا نیز چنین راههای " آموزش " را طی طریق کردند . آیارژیم تصور میکند که کارگران دلاور وطن ما فریب این باصطلاح " آموزش " ها را خواهند خورد ؟ آنچه که کارگران وطن ما به آن احتیاج مبرم دارند ، آموزش سیاسی واقعی ، آموزش رهائی آنان است که قطعا به برکت جانفشانی و مبارزه روشنفکران انقلابی کارگری بانان داده شده و از این راه جنبش کارگری برنده تر و آبدیده تر میگردد . پاسخ کارگران ما به سبیه های رژیم روشن است . " مرگ بر رستاخیز " ، " مرگ بر شاه " . بگذار رژیم کمیته روی کمیته بسازد ، دستور روی دستور بدهد ، مرگ رژیم حتمی و پیروزی کارگران قطعی است .

حکومت فاشیستی شاه، ایرانرا به محل تاخت و تاز امپریالیسم جهانی تبدیل کرده است. استثمار وحشیانه زحمتکشان که با تکیه بر دستگاه ترور و سرنیزه انجام میگردد کشورمان را بهشت جهانخواران مالی کرده و از غارت و چپاول دسترنج خلق سوده های انسانی ای به جیب آنها و نمایندگانشان یعنی طبقات ارتجاعی حاکم که در راهشان باند فاشیستی پهلوی قرار دارد سرازیر میکند. در تحت سلطه رژیم، زندگی قاطبه مردم روز بروز خرابتر و فقر و دردماندگی زحمتکشان بخصوص کارگران ابعاد گسترده ای یافته است. دستمزد کارگران بقدری ناچیز میباشد که حتی کفاف زندگی روزمره را نداده و آنها را بمرگ تدریجی محکوم نموده است. با وجود این دستگاه تباہفانی رژیم سروصدای زیادی در باره دستمزد کارگران براف انداخته و برای آنکه بار بحران اقتصادی را بر دوش کارگران غیور بیناندازد، وقیحانه صحبت از کم کردن مزد میکند. اعتصابات گسترده چند سال گذشته که مدتها بخاطر پایین بودن سطح دستمزد با بجای گذاشتن صدها شهید و هزاران زخمی انجام گرفته نشاندهنده آن است که کارگران وطن مرگ را بر این زندگی ترجیح میدهند و بیباکانه به مصاف رژیم میروند. آمار منتشره دولتی نشان میدهد که مستمری بیس از دوسوم کارگران با وجود آنکه بطور متوسط ۱۲ ساعت در روز کار میکنند، کفاف تامین حداقل وسایل معیشت را نمیدهد.

ما سعی میکنیم با تکیه به آمار دولتی تصویری از سطح دستمزد بدست داده و سپس آنرا با متوسط هزینه زندگی مقایسه کنیم.

بر طبق آمار سالانه آماری کشور (۱۳۵۵) متوسط دستمزد هفتگی کل شاغلین کشور در سال ۱۳۵۱ برابر بسا ۱۲۴۸ ریال بوده است. یعنی متوسط دستمزد ماهیانه کل شاغلین در حدود ۵۲۰۰ ریال خواهد بود. باید در نظر داشت که این متوسط حقوق تمام شاغلین است که شامل کارگران، کارمندان، مدیران و... میباشد و دستمزد کارگران بر مراتب کمتر از آن میباشد. بطور مثال بر طبق همین آمار دستمزد متوسط هفتگی کارگران کشاورزی ۵۵۷ و کارکنان استخراج و تولید در حدود ۹۰۰ ریال است که نتیجتاً حقوق کارگران کشاورزی در ماه در حدود ۳۹۰۰ و کارکنان استخراج و تولید در حدود ۹۰۰ ریال بیش نمیشود. به نمونه دیگری اشاره کنیم: بر طبق آمار همین سالنامه مزد و حقوق پرداختی به کارگران معدن در سال ۱۳۵۳ بصورت زیر است.

نوع معدن	حقوق بگیران	مزد و حقوق پرداختی (ریال)	سهم ماهیانه (ریال)
ذغال سنگ	۳۹۱	۶۰۶۱۱	۵۷۰۷
کائولین	۱۱۶	۷۸۱۲	۵۶۱۲
خاک سوز	۴۲۶	۲۵۴۵۹	۴۹۸۰
سیلیس	۸۳	۵۷۳۳	۵۷۵۰
سنگ گچ	۱۰۱۹	۶۹۷۵۱	۵۷۰۰
سرب و روی	۲۰۹۹	۲۰۵۶۴۴	۸۱۶۰
سنگ سرخ	۱۶۳	۱۶۲۹۹	۸۳۳۰
فروزه	۲۱۲	۱۳۳۶	۳۶۷۰
سرب	۱۲۱	۸۸۹۸	۸۰۵۰
مس	۳۰۳	۱۸۱۵۴	۵۰۰۰
کرومیت	۹۰۰	۵۹۱۵۵	۶۵۷۰
سنگ آهن	۲۱۴۸	۲۹۲۰۵۶	۱۱۳۳۰

بر اساس جدول پیتس میانگین مزد ماهیانه کارگران معدن در سال ۱۳۵۳ در حدود ۶۵۷۰ ریال میباید، طبق امار دولتی (مجله بانگ مرکزی ایران فروردین - اردیبهشت و خرداد ۱۳۵۴ شماره های ۱۶۳، ۱۶۴ و ۱۶۵) در سال ۱۳۵۳ مزد و مزایای سالیانه ۱۳۹۳ کارگر شافل در ۱۰۰ واحد تولیدی موسوم به صنایع منتخب ۱۱۷۰۰۰ ریال بوده است یعنی بطور متوسط ماهی ۹۷۵۰ ریال میباید. بر طبق امار سالیانه نامبرده در سال ۱۳۵۰ تعداد ۴۷۵۱ نفر در کارگاههای کوچک نساجی کشور بکار اشتغال داشته اند. مزد و حقوق پرداختی در این سال بالغ بر ۴۲۱۴۷۷ هزار ریال بوده است، با یک حساب کوچک حقوق متوسط ماهیانه هر کارگر بالغ بر ۷۴۰ ریال یعنی فقط ۷۴ تومان میباید. با وجود آنکه این رقم هیرت انگیز است ولیکن خود بیان واقعیت است چرا که بر طبق همین ضمیمه سودیگه عاید سرمایه داران شده است بالغ بر ۴۵۲۴۵۴۳ هزار ریال میباید. این سود کلان فقط میتواند از چپاول زحمتکشان و استثمار و حشمانه حاصل گردد. باید اضافه کرد رقی که در باره تعداد کارگران این بخش آورده شده است خود گویای حقیقت نمیباشد و تعداد کارگرانی که در این بخش به فجیحترین وضع ممکن کار میکنند بسیار بیشتر است. طبق بررسی موسسه تحقیقات و مطالعات اجتماعی در ایران ۸۰۰۰۰۰ کارگر قالیبافی وجود دارد (ایران الماناک ۷۶) در بالا فرض کردیم که آمار موجود و ارائه شده رژیم در مورد دستمزدها واقعی است، حال با تکیه بر همین ضمیمه به امار دولتی در رابطه با هزینه زندگی مراجعه کنیم. بر طبق امار سالنامه ذکر شده متوسط هزینه مواد خوراکی و غیر خوراکی یک خانواده شهری و روستائی بهر حال زیر است.

سال	متوسط هزینه خانواده شهری	متوسط هزینه خانواده روستائی
۱۳۵۰	۱۲۶۱ / ۸	۴۹۸۵ / ۳
۱۳۵۱	۱۰۹۶۴ / ۴	۴۹۴۰ / ۳
۱۳۵۲	۱۱۸۷۹ / ۵	۶۰۷۵ / ۴

طبق پیشبینی ضمیمه دولتی (ایران الماناک ۷۶) در سال ۵۵ متوسط هزینه اقلام غذایی برای یک خانواده شهری ماهی ۱۲۰۰۰ ریال و برای یک خانواده روستائی ماهی ۶۰۰۰ ریال بوده است. مقایسه دو ضمیمه خبری نشان میدهد که بر طبق امار رژیم هزینه زندگی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۵ تغییری نکرده است و در همان حدود ۱۲۰۰۰ ریال و ۶۰۰۰ ریال میباید. امار مزبور ولی واقعیت را بیان نمیکند زیرا لوایحی که هزینه زندگی در چند سال گذشته بطور سرسام آوری بالا رفته است همه حتی عاملین رژیم نیز اذعان دارند و همین دلیل "قوانین" فراوانی در باره "بهاره" با گران فروشی" و امثالهم را نیز علم کرده اند و ما احتیاجی نداریم که بخواهیم این مطلب را اثبات کنیم، فقط به چند گونه اشاره میکنیم. بر طبق امار دولتی (ایران الماناک ۷۶) متوسط ناخصبهای خوراک از ۱۲۷ در سال ۱۳۵۱ به ۱۵۱ / ۳ در سال ۱۳۵۳ یعنی ۱۹ / ۱ درصد افزایش یافته است که این افزایش در مواردی که مورد مصرف همیستگي زحمتکشان است به مراتب بیشتر میباید، مثلاً بهای نان از سال ۵۲ تا ۵۳ بمقدار ۲۴ / ۲ درصد، بهای سکن ۱۹ / ۵ درصد و بهای سسکی که تغییر متناهی جرداده است ۱۳۴ درصد است. حال اگر میزان دستمزدها کارگران صنایع منتخب را با هزینه متوسط زندگی مقایسه نمایم روشن میگردد که حتی بر صنایع دستمزدهای ناهشی و هزینه زندگی ارائه ندهد از طرف رژیم، کارگرانی که در صنایع منتخب کار میکنند فقط ۹۷۵ تومان درآمد دارند امکان آنکه حداقل

هزینه زندگی را ببرد ازند ندارند ، در حالی که باید توجه کرد که طبق آمار مزبور دستمزده کارگران صنایع منتخب در اصل بالاترین سطح دستمزده میباشد . این وضع در روستاها بمراتب اسفناکتر است . در ابتدای مقاله با تکیه بر ارقام رژیم اشاره کردیم که دستمزده هفتگی کارگران کشاورزی ۵۵۷ ریال یعنی ^{ماهیان} ۳۹۰۰ ریال است . بر طبق آمار همین منبع دستمزده روزانه کارگران مرد کشاورز ۹۸ و دستمزده زنان ۵۲ ریال میباشد ، اگر فرض کنیم تمام زنان مردان روستائی کار میکنند در آمد روزانه یک زن وشوهر روستائی ۱۵۰ ریال خواهد بود وباز اگر فرض کنیم که زحمتمکشان روستائی تمام ۳۰ روز ماه را بکار مشغولند ماهیانه ۴۵۰۰ ریال درآمد خواهند داشت که بمراتب از ۶۰۷۵ / ۴ رجوع شود به جد ول شماره ۴) در سال ۵۲ کمتر است . حال اگر کوتاه اضافه کنیم که در سال ۱۳۵۰ از ۱۰۵۸۹۹۰۰ نفر جمعیت ده سال به بالاتر روستائی تعداد ۵۳۹۵۰۰ غیر فعال بوده اند در خواهیم یافت که بیش از نیمی از جمعیت حساب شده در فرض بالا کار نمیکند و بنابراین درآمد نیمی از خانواده های روستائی در اصل همان ۲۹۰۰ ریال میباشد که جنسی نصف هزینه زندگی را نیز تشکیل نمیدهند . برای آنکه تصویر بهتری از دستمزده بدست دهیم به یکی دیگر از آمارهای رژیم اشاره میکنیم . طبق آمار پیشبینی شده رسمی (ایران الماناک ۷۶) در سال ۱۳۵۵ توزیع خانواده های شهری بر مبنای درآمد بشکل زیر بوده است .

درصد خانواده های شهری	حد اکثر درآمد سالانه (ریال)	حد اکثر درآمد ماهیانه (ریال)
۲/۵	۳۰۰۰	۲۵۰۰
۹	۴۰۰۰ - ۳۰۰۰	۳۳۳۳ - ۲۵۰۰
۱۵	۵۰۰۰ - ۴۰۰۰	۴۱۶۷ - ۳۳۳۳
۳۶	۷۵۰۰ - ۵۰۰۰	۶۲۵۰ - ۴۱۶۷
۱۶/۵	۱۰۰۰۰ - ۷۵۰۰	۸۳۳۳ - ۶۲۵۰
۱۵	۱۵۰۰۰ - ۱۰۰۰۰	۱۲۵۰۰ - ۸۳۳۳
۱۶	۱۵۰۰۰ و بیشتر	۱۲۵۰۰ و بیشتر

بر طبق این آمار ۶۹ درصد از خانواده های شهری فقط قادر به پرداخت دوسوم از خرج هزینه زندگی میباشند ، ۱۵ درصد حد اکثر درآمدشان از ۸۳۳۳ ریال تا ۱۲۵۰۰ ریال است یعنی بیش از نیمی از این ۱۵ درصد نیز امکان تأمین حداقل وسائل معیشت نیستند و فقط نانزده درصد از جمعیت خانواده های شهری از ۱۲۵۰۰ ریال بیشتر است . باید دقت داشت که این آمار نشاندهنده دستمزده کارگران نبوده بلکه اول درآمد تمام خانواده ها را نشان میدهد و در ثانی تمام خانواده های شهری یعنی کارگران ، کارمندان ، کسبه ، مدیوران و . . . در آن مستتر است و آن ۱۶ درصد که امکان تأمین حداقل وسایل معیشت میباشد در اصل مدیوران و ارتشیان و خلاصه مفتخوران جامعه هستند . باید اضافه کرد که حتی این آمار نمایشی بوده و نشاندهنده درآمد حقیقی نمی باشد و تازه با تمام این احوال درآمد ۴/۵ درصد از خانواده های شهری حتی کفاف ۱/۴ خرج زندگی را نداده ، درآمد

۱ درصد بزور ۱/۴، درآمد ۱۵ درصد حدود ۱/۳ و درآمد ۲۶ درصد فقط نیی از خرج هزینه را شامل میشود .
 ارقام فوق در اصل با تکیه بر امار دولتی میباشد و حقایق از این بعرا تب بدتر است .
 بهر حال مشاهده میگردد که علی رغم استعمار تندید و بیرحمانه ای از پرولتاریای ایران بعمل میاید و حاصل
 آن پرئندن جیب سرمایه داران وابسته به امیرالیسم میباشد ، دستزد کارگران تا این حد پائین است که حتی کفای
 حداقل مایحتاج زندگی آنان را نمیدهد . تمجب نیست اگر کارگران دلاور میهن ما بر اساس چنین شرایط نکیت یار
 زندگی دسته به مبارزه اعتماسی و اعتراض میزنند و با قاضی افزارخته در مقابل رژیم قدار پهلوی ایستادگی می نمایند .

کارگران غیر وطن ما زیر فشار خفقان و دیکتاتوری پلیسی رژیم و در بدترین شرایط محیط کار زندگی میکنند . سطح نازل دستمزدها و استثمار وحشیانه طبقات ارتجاعی کمپرادور - فئودال حاکم شیرو جان کارگران را کشیده و آنها را به مرگ تدریجی وادار ساخته است . بموازات ستم و استثمار همه جانبه کارگران از حداقل و ابتدائی ترین حقوق خود نیز بی بهره اند . یکی از این ابتدائی ترین حقوق ، استفاده از مزایای بیمه کار و بیماری میباشد . در چند سال گذشته رژیم با استفاده از دستگاه عرض و طویل تبلیغاتی خود جنجال زیادی در رابطه با " قانون بیمه های اجتماعی " برافراشته است . در این رابطه دکتر روحانی یکی از کارگزاران رژیم میگوید : " در هیچ کجای دنیا حتی در انگلستان مداوای مجانی که کارگران از آن استفاده میکنند به رضایت بخشی شرکتهای بیمه ما نیست " . نگاهی کوتاه برجریده - های سانسور شده رژیم و آمار اعلام شده واقعیت بیمه های اجتماعی را نشان میدهد . کیهان ۵۵/۱۱/۷۰ می نویسد :

" هم اکنون با اجرای مقررات نامین اجتماعی یک میلیون و هشتصد هزار نفر از طبقات مختلف مردم بیمه شده اند " .

با توجه باین آمار فقط ۶ درصد از تمام اقشار مختلف مردم بیمه اند . با توجه به تعداد کارمندان بیمه شده و کارگرانی که در مجتمع های بزرگ صنعتی بکار مشغول هستند و جزو این ۶ درصد آمده اند بروشنی معلوم است که سطح کارگران بیمه شده بحدود آنهاست که در کارگاههای کوچک و یا در جاههای مختلف بکار مزدوری مشغولند برآنتب یائین تراز ۶ درصد میباشد . از طرف دیگر بعلمت عقب ماندگی جامعه ده این آمار اکثریت زحمتکشان روستاهای ایران را در بر نمیگیرد . با توجه به گرانی سرسام آور هزینه زندگی ، اعم از مسکن ، مایحتاج اولیه زندگی ، هزینه تحصیل فرزندان و غیره کارگران ترجیح میدهند ۷۰ درصدی را که بعنوان حق بیمه از حقوق کارگران ماهیانه باید کسر شود را برای کار ضروری تر یعنی برای سپردن شکم خود و عائله شان بکار برند و از بیمه شدن صرف نظر کنند . زیرا حتی روزی نامه های رژیم نیز مجبور به اعترافند که " کارگران معتقدند ، بیمه علاوه بر اینکه باری از دوش آنها بسر نمیدارد برعکس مشکلات فراوانی نیز برای آنها فراهم میآورد " (کیهان ۲۹ اذر ۵۵) . این اعتقاد کارگران تجربه ایست که در زندگی روزمره خود آنرا کسب کرده و با گوشت و پوست خود آنرا لمس نموده اند و رژیم نیز مجبور به اعتراف گوشه هایی از آن است .

رستاخیز سوم تیرماه ۵۵ می نویسد : " یکی از اهالی ملایر را که به سرطان مبتلاست بدلیل آنکه بیمه است در بیمارستانهای پی پی پی . کیهان ۲۵ خرداد ۵۵ " کارگری از جوادی می نویسد ، دختر مسووس را شب به بیمارستان راه نمیدادند زیرا بنا به ادعای مسئولین درمانگاه ، درمانگاه شبانه روزی حمید روزها بیمه است نه شبها " . تهران اکونومیست در شماره ۱۰ سال ۷۲ می نویسد : " حقیقت این است که کاریبیمه های اجتماعی در اماکن درمانی بسیار اشکاک است . بخاطر تعهدات زیاد مراجعین صفهای طولانی در مقابل این اماکن دیده می شود و دکترها بخاطر کمی وقت بمعالجه سطحی پرداخته و بدین ترتیب مداوای همه جانبه نمیتواند انجام گیرد " . همین نشریه در جای دیگر اذعان میکند که " در عرض ۵ ساعت ۱۸۰ بیمار تحت معالجه قرار میگیرند " .

با یک حساب کوچک برای هر بیمار حتی دودقیقه هم وقت نمی رسد . این نشریه در شماره اردیبهشت ۷۱ مینویسد :

"بیشتر کارگران و خانواده شان ترجیح میدهند یا با بیماری خود بسازند و یا اینکه دارو نادر خود را فروخته و در کلینیک های خصوصی بستری شوند ولی به بیمارستانهای بیمه های اجتماعی نروند بارها دیده شده است که بیماریانی که گرفتار به بیماریهای قلبی ، رماتیسم ، گریب و یا دل درد هستند بعد از انتظار طولانی شربت و یا قرص مشابه را دریافت میکنند . " نمونه های ذکر شده بیان فقط گوشه ای از واقعیت و در حقیقت نمونه مشتی از خروار میباشد . هرروزه میلیونها تن از هموطنان ما بطور مستقیم و غیر مستقیم نتایج عقب افتادگی اوضاع اسفناک بهداشت را احساس میکنند و هر ساله هزاران تن از آنان پیر و جوان ، روستائی و شهری در اثر ابتلا به انواع بیماریها و حوادث ناشی از کار ، آلودگی محیط زیست و هوا ، سوختگی ، سمومیت و غیره به جمع قربانیان رژیم جنایتکار شاه میپیوندند .

بر طبق آمار منتشره در سالنامه آماری کشور در سال ۵۵ تعداد کل پزشکان در سال ۵۴ در تمام کشور ۱۲۴۴۰ نفر میباشد که ۵۷۰۰ نفران در تهران بکار مشغولند . یعنی در حدود نیمی از پزشکان را شهر تهران بخود جذب کرده است و بنا براین برای بقیه کشور فقط ۶۷۴ پزشک موجود است . بر طبق آمار همین ضمیم جمعیت کل کشور ۳۳۳۷۵ هزار نفر میباشد که ۴۴۶۰ هزار نفران در تهران زندگی میکنند . اگر این تعداد را از کل جمعیت کم کرده و بتعداد پزشکانی که در تهران نیستند تقسیم کنیم بهر ۴۳۰۰ نفر یک پزشک تعلق میگیرد . این نسبت در بعضی از مناطق کشور به مراتب اسفناکتر است . بطور مثال در فرمانداری گل بویر - احمدی و کهنگیلویه برای هر ۶۹۰۰ نفر و در استان زنجان برای هر ۸۸۰۰ نفر و در استان ایلام برای هر ۹۳۰۰ نفر یک پزشک موجود است . تقسیم بندی دندانی پزشکان از این هم به مراتب بدتر است ، از مجموع ۱۸۰۳ دندانی پزشک ۹۸۵ یعنی بیش از نیمی از آنان در تهران زندگی میکنند باین ترتیب برای هر ۳۵۴۰۰ نفر خارج از تهران یک دندانی پزشک موجود است . در استان زنجان به هر ۸۰ هزار ، در سیستان و بلوچستان به هر ۹۰ هزار ، در استان ایلام و استان چهارمحال بختیاری به هر ۱۲۰ هزار نفر و در فرمانداری گل بویر احمدی به ۲۰۶ هزار نفر یک دندانی پزشک تعلق دارد . باید اضافه کنیم که بخش عظیمی از پزشکان فقط در مطبهای خصوصی کار میکنند و حاضر به کار در شرکتهای بیمه نمیشاند و بخش کوچک دیگر نیز بیماران بیمه را به مطب خصوصی دعوت میکنند . کارگری میگفت " دکترها آدرس مطب خصوصی خود را بما میدهند و میگویند بعد از ظهر باین آدرس بیا ، ولسی انها باید بدانند اگر ما امکان پرداختن ۵۰ تومان پول ویزیت را داشتیم بیمه نمیشدیم " . اگر به برکت رفوهای شاه - امیرالایسم بیماران بیمه بتوانند برای کمتر از دو دقیقه هم که شده دکتر را ببینند ، این وضع در بیمارستانها و درمانگاههای بیمه به مراتب دلخراشتر است . بر طبق آمار سالنامه نامبرده تعداد کل بیمارستانها و درمانگاههای کشور ۵۰۳ عدد میباشد که در مجموع ۴۸۸۰ تخت در اختیار دارند . از این تعداد ۱۱۷ بیمارستان و درمانگاه با تعداد ۲۰۸۰۸ تخت خواب در تهران میباشد ، بنابراین به هر ۱۰۳۳ نفر ایرانی که در تهران زندگی نمیکند یک تخت تعلق میگیرد . در زنجان به هر ۳۱۰۰ نفر و در ایلام به هر ۵۰۰۰ نفر و در بویر احمدی به هر ۲۶۰۰۰ نفر یک تخت میرسد . در اینجا نیز تعداد وسیعی از بیمارستانها خصوصی بوده و تعداد بیمارستانها

و درمانگاههایی که به بیمه تعلق دارند و یا قراردادهایی با "سازمان تامین خدمات اجتماعی" جهت پذیرش بیماران بسته اند خیلی معدود است، این بیمارستانها فاقد ابتدائی ترین وسائل درمانی بوده و بیشتر جنبه تبلیغاتی دارند تا درمان واقعی کارگران. تعداد تخت این بیمارستانها بسیار کم بوده و بهیچوجه کفایت مورد نیاز را نمیدهند. کیهان در ۲۹ آذر ۵۵ می نویسد: "برای منطقه آذربایجان شرقی و غربی تنها یک بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی وجود دارد که بهیچوجه جوابگوی نیازهای کارگران این منطقه نیست".

بر طبق آمار سالنامه مذکور در آذربایجان شرقی و غربی ۴۹ بیمارستان با تعداد ۳۸۶۰ تختخواب موجود است. با توجه به مطلب ارائه شده در کیهان متوجه می شویم که از ۴۹ بیمارستان فقط یک بیمارستان و از ۳۸۶۰ تختخواب فقط ۲۰۰ تخت در اختیار بیمه قرار گرفته است. بر واضح است که تنها بیمارستان بویراحمدی با ۸ تخت قطعی - تواند در اختیار عاملین رژیم و زالوهای محلی که از شیر جان زحمتکشان برزندگی خود ادامه میدهند قرار گرفته و به یا برهنگان حتی یک تخت نیز نرسند و آنها چاره ای ندارند بجز آنکه در زمان بیماری در انتظار مرگ بمانند.

حال اگر با تمام مشکلات شمرده شده بیماری از هفت خوان بگذرد و پایش به بیمارستان برسد و تختی برای خوابیدن پیدا کند مسئله حل نشده است و تازه مشکل مالی مطرح میشود. طبق قوانین بیمه افراد بیمه شده باید ۲۰ درصد از مخارج درمان را خود بپردازد. کیهان ۶ شهریور ۵۶ در مورد نرخ تخت در بیمارستانهای تهران و شهرستانها می نویسد: "وزارت بهداشت و بهزیستی کلیه بیمارستانهای تهران و شهرستانها را با توجه به تجهیزات و وسایل و امکانات به ۵ گروه و برای هر گروه از بیمارستانها قیمت تخت جداگانه ای تعیین نموده است. در بیمارستانهای درجه یک نرخ اتاقهای یک تختی هر شب ۳۹۰ تومان، دو تختی ۲۳۰ تومان، سه تختی ۱۳۰ تومان، تخت نوزاد ۶۵ تومان، تخت همراه ۱۱۰ تومان و تخت در قسمت مراقبتهای ویژه ۴۴۰ تومان، در بیمارستانهای درجه دو اتاق یک تختی ۳۰۰ تومان، دو تختی ۱۸۰ تومان، سه تختی ۱۰۰ تومان، تخت نوزاد ۵۰ تومان، تخت همراه ۹۰ تومان و تخت در قسمت مراقبتهای ویژه ۳۶۰ تومان، در بیمارستانهای درجه ۳ یک تختی ۲۴۰ تومان، دو تختی ۱۵۰ تومان، سه تختی ۸۰ تومان، تخت نوزاد ۴۰ تومان، تخت همراه ۲۰ تومان، تخت در قسمت مراقبتهای ویژه ۲۸۰ تومان. در بیمارستانهای درجه ۴ یک تختی هر شب ۲۰۰ تومان، دو تختی ۱۲۰ تومان، سه تختی ۶۵ تومان، تخت نوزاد ۳۲/۵ تومان، تخت همراه ۵۵ تومان و تخت در قسمت مراقبتهای ویژه ۲۳۰ تومان و در بیمارستانهای درجه ۵ تخت و اتاقهای سه تختی هر شب ۵۵ تومان است".

در اینجا قبل از هر چیز لازم به تذکر است که منظور از تخت و اتاقهای سه تختی در قسمت بیمارستانهای درجه ۵ همان اتاقهایی است که در هر کدام تا بیش از ۲۰ تخت موجود است و بیماران چون لاشه گوسفند بدون رعایت بهداشت و نوع بیماری پهلوی هم چیده شده اند. حال اگر فرض کنیم که تمام بیماران بیمه در قسمت بیمارستانهای درجه پنج بستری میشوند و فرض کنیم بطور متوسط فقط ۶ روز در بیمارستان تحت معالجه قرار میگرفتند، بنا بر قانون باید ۶۶ تومان پول تخت را خود بپردازند که باین مقدار باید پول رسیدگی دکتر و دوا و عمل در صورت لزوم را اضافه نمود و اگر باز فرض کنیم که ۲۰ درصد بقیه مخارج فقط ۳۴ تومان میشود بنابراین بیمار برای ۶ روز معالجه باید ۱۰۰ تومان از جیب بپردازد که این خود ثلث حقوق کارگر را تشکیل میدهد و از اسباب

ماهیهان کارگران حد اکثر به سیرکردن شکم خود و خانوادہ کفاف میدهد هیچ کارگری امکان پرداختن پول درمان را ندارد و مجبور است یا با بیماری بسازد و یا زندگی خود را فروخته و پول بیمارستان را بدهد . باز اگر فرض کنیم که کارگر زحمتکش با مصیبتهای فراوان پول لازم را تهیه نمود ، از آنجا که در بیمارستان از نظر دارو و درمان مورد توجه قرار نگرفته است بالاخره اکثرا یا در گوشه بیمارستانها و درمانگاههای مزبور و یا چندروز پس از اخراج گرفتار مرگ میشوند . برای اثبات مطلب به نوشته های خود رژیم رجوع می کنیم .

کیهان ۲۹ اذر ۵۵ می نویسد : " داروخانه های این درمانگاهها وضع نابسامانی دارند و برای تمام بیماریها چند دارو و شربت شناخته شده دارند که برای تمام بیماریها تجویز میکنند . و یا در جای دیگر " بیمه پرزنشگان را ملگف کرده است که نسخه ای که بیش از ۱۰۰ تومان هزینه دارو داشته باشد ، بدست مریض ندهند و همین موضوع بهبودی بیماران را تحت الشعاع مسائل مالی قرار داده است .

ما در بالا فرض کردیم که تمام بیماران بیمه در بیمارستانهای درجه ۵ بستری میشوند و حال بیهیقم واقعیت چیست . اکثر بیمارستانها به بهانه های متعدد از پذیرفتن بیماران بیمه خودداری میکنند . در مانگاہ حمید که در بالا بان اشاره شد نمونه ای از آن است . کیهان در ۵ تیرماه ۵۵ می نویسد : " کارشد تلگراف تهران به کیهان شکایت کرده که کودک ۸ ماهه او بملکت جواب شدن از چندین بیمارستان که حاضر به قبول بیمار بیمه نبوده اند تا استانه مرگ به پیشرفت . " مثال دیگر نشان میدهد که اگر بیمارستان بیماری را بپذیرد او را جزو بیماران خصوصی بشمار میآورد . کیهان ۶ شهریور ۵۶ در خبری تحت عنوان " برای دریافت صد درصد حق درمان مریض بیمه را در بیمارستان زندانی کردند " . می نویسد : " این بیمار از کارمندان سازمان گوشت کشور است که چندروز قبل انگشت دست چپ او در دستگاه فریزر گیر کرده و قطع شده است . او مدت شش سال است که حق بیمه پرداخته و این اولین دفعه است که میخواهد از دفتر چه بیمه اش استفاده کند ، اما مسئولین بیمارستانی که او در آن بستری است ادعا میکنند که او را در اطاق خصوصی بستری نموده اند و چون جنس ملانہ های او غیر از ملانہ هائی بوده که به بیماران بیمه میدهند لذا باید صورت حساب ۴۶۲۳ تومانی بیمارستان را که در ازا ۳ روز رژیم برگردانده شده است صد درصد بپردازد . " مشکلات بالا جوانین از اوضاع " بیمه مستقیم " کارگران است و فقط به خود کارگران تعلق دارد و " مزایای " ان بخانواده آنها نمیرسد و چنانچه کارگر رنج کشیده ای بخواهد همسر و فرزند اش را نیز بیمه نماید ، می باید علاوه بر پرداخت ماهیانه بیشتر ، هربار در جریان استفاده افراد خانواده از بیمه مزبور مبالغی از مخارج درمانی را نیز شخصا پرداخت نماید که در غالب موارد از عهده اش خارج میباشد .

با توجه به مسائل بالا می بینیم که " فرم بیمه های اجتماعی " رژیم نیز بمعاندت تمام طرحهای دیگر نبرنگی بیش نیست . رژیم فاشیستی شاه که تمام تار و پودش به امپریالیسم پیروزه امپریالیسم امریکا وابسته است ، ماهیتا نمیتواند ابتدائی ترین خواست زحمتکشان جامعه را برآورده کند و تمام برنامه های رنگارنگی در خدمت بسسه اربابان و چپاول خلق قرار دارد . طرح " بیمه های اجتماعی " نیز در خدمت همین امر بوده و از این طریق میلیارد ها تومان از جیب میلیونها زحمتکش ایرانی بختارفته و بحیب امپریالیستها و در بار سرازیر میگردد .

وضع مسکن کارگران و زحمتکشان

رژیم شاه، رژیسی تا منز استخوان وابسته به امپریالیسم و عمدتاً امپریالیسم امریکا است. چنین رژیسی نمی تواند حتی در یک مورد، حتی اگر جزئی نیز باشد، در راه زحمتکشان قدمی بردارد. در شرایط حاکمیت این رژیم وابسته تمام شئون زندگی خلق و از همه بیشتر طبقه کارگر نابسامان بوده و متهر استعمار و ستم بر آن خورده است. یکی از این موارد مسئله مسکن میبایست. روشن است که مسئله مزبور برای اغنیا و سرمایه داران هیچ مشکلی بوجود نیآورد. آنان قادرند با سودی که از نیروی کار ارزان کارگران وطن ما بدست میآورند، کاخهای افسانه ای برای خود و هم طویله های خود ساخته و در آن به خونسفرائی بپردازند. مشکل مسکن برای طبقه کارگر، این تحقانی ترین بختر جامعه است که مجبور است در بیفوله ها و آلونکها شب را بپروز رسانده و زندگی کند. در این اطاقکها گاهی مواقع دو خانوار کارگری و فرزندان آنها در کنار هم لولیده و روشن نیست که چگونه زندگی را می گذرانند. مطابق آمارهای که وزارت آبادانی و مسکن در سال ۱۳۵۱ بیرون داده، در بخشهای کارگر نشین تهران به هر نفر سه متر مربع سطح سکونی تعلق میگیرد، در حالیکه در نقاط اغیان نشین تهران رقم مزبور به ۳۰ متر مربع میرسد. مطابق آمار این وزارتخانه در سال ۱۳۵۱ هر ۶ نفر در جنوب شهر تهران در یک واحد سکونسی (واحد یک اطاق است) بسر میروند. این مسئله تازه نشاندهنده یک بختر کوچک از واقعیت مسکن زحمتکشان ایران است. ارقام مذکور بر روشنی نشان میدهند که تازه کارگرانی که باقی برسر دارند، مجبور به زندگی در چگونگی مسکنی میباشند. هر ۶ نفر در یک اطاق و در همین شهر چند کیلومتر آنطرفتر بناهای سرفلك کسیده شروتمندان متخیر که برای هر یک از زمینه های زندگی کثیشتان یک سالتی بزرگ در اختیار دارند، سالتن صبحانه، سالتن نهار، سالتن شام، سالتن کفترانس، سالتن کار، سالتن تریانه، سالتن . . . !! تفهبر رژیسی که مسبب چنین وضعی بسرای کارگران و زحمتکشان و لن ماست. نرقی سوسام آور قیمت زمین که خود محصول بورس بیازی سرمایه داران و گردن گلفتان کشور است، بالا رفتن قیمت خانه های سکونی و نتیجتاً ارتقا و حشنتناك اجاره خانه، کمر کارگران ایران را شکسته است. با مزد ناچیزی که به کارگران در ازا، جان کندن چندین ساعته روزانه پرداخت میشود، امکان اجاره یک خانه مناسب ابداً موجود نیست. روی این اصل برخی از زانه نشینان و کارگران در نواحی خارج از شهر برای خود آلونک دست و پا میکردند و با کار تبهانه خود و همبستگانشان اطاقکی درست می نمودند. جریان این خانه های خارج از محدوده و فجابیعی که رژیم در قتال ساکنین آنها انجام داد بقدری روشن و آشکار است که هیچ ضرورتی به بررسی آن وجود ندارد. همیتقدر کافیت گفته شود که رژیم شاه در جریان خراب کردن خانه های خارج از محدوده تعداد زیادی از کارگران و زحمتکشان را بی خانمان کرد و بانی را که بر سر آنان بود خراب نمود. رژیم شاه در جوار سیاست تشدید و فشار بر کارگران و ازدیاد فقر و فاقه، آنان در عین حال پشت سرهم در باره مشکل مسکن کارگران داد سخن میدهد، بر نامه اعلام میکند، کفترانس بره میاندازد و هزارویک شعبده تبلیغاتی علم میتاید. ولی آیا واقعیات را میتوان با دروغ و جنجال پوئانند! خیر. بلور مثال در نهین کفترانس ملی کار که در اردیبهست سال ۵۶ بوسیله ساواک و کارگران رستاخیز بر پانند، در مورد " حل " مشکل مسکن کارگران نیز " نصیعتی " گرفته شد. این

تصمیمات بنا بر مشخص در سه زمینه بودند :

- ۱ - ایجاد مجتمع های مسکونی از طریق ایجاد و تقویت تعاونی بسکن و تعاونی تولید کارگران .
- ۲ - همکاری دولت با کارفرمایان برای ایجاد خانه های سازمانی در جوار کارگاه و یا ایستگاه های نزدیک کارگاه
- ۳ - پرداخت وام بسکن به کارگران .

۱ - طرح ایجاد مجتمع های مسکونی و خانه های سازمانی که از اربین تعاونی های بسکن و یا از اربین همکاری دولت با کارفرمایان می بایست انجام پذیرد ، در واقعیت نه بخاطر آنستکه مشکل بسکن کارگران غیر ولن مارا حل کرده و دردی از درد های آنان بکاهد ، بلکه بنا بر ماهیت ضد کارگری رژیم اهداف دیگری را تعقیب می نماید . اولین هدف رژیم از اجرای طرحهای مذکور آن است که کارگران را در این مجتمع های مسکونی و خانه های سازمانی تحت کنترل شدید و همه جانبه سازمان " امنیت " در آورده و هرگونه رفت و آمد و معاشرت آنان را زیر چشم داشته باند . دومین هدف رژیم در این مورد آنستکه وابستگی کارگران به کارخانه و نتیجتا سرمایه دار را زیاد نموده و از هرگونه " تخلف " وی جلوگیری نماید . این مسئله روشن است ، خانه هایی که ساخته میشوند و در جوار کارخانه ها قرار دارند ، به کارگروانی داده میشوند که در کارخانه مذکور بکار داشته اند داشته باشند . نتیجتا چنانچه کارگری در اثر دست زدن به يك مبارزه اعتراضی و اعتراضی مورد غضب ساواک و کارفرما قرار گیرد و مثلا از کارخانه اخراج گردد ، خانه خود را نیز از دست داده و بازن و فرزندان در خیابان خواهد ماند . هدف سوم رژیم از زیاد درجه بهره وری کارگران از این طریق است . در این مورد کیهان ۲۶ اردیبهشت ۵۶ مینویسد : " از آنجائیکه دور بودن محل سکونت کارگر از کارگاه مخارج ایاب و ذهاب کارفرما را افزایش میدهد و خستگی کارگر در طی زمان طولانی مسافرت به همراه خواهد داشت و ثالثا بازده تولید و بهره وری کار را کاهش میدهد ، تهیه خانه های سازمانی توسط کارفرمایان اهمیت خود را نشان میدهد . " باین ترتیب روزی نامه های رژیم با بیسری عرجه تا اثر اعتراف میکنند که هدف نه حل مشکل بسکن کارگران ، بلکه حل مشکل کارفرمایان در باره خرج ایاب و ذهاب کارگران است و مهتر آنکه اثر کارگران در جوار کارخانه سکونت داشته باشند ، در هنگام کار خستگی کمتری داشته و در نتیجه کار بیشتری ارائه داده و عملا سود بیشتری برای سرمایه دار تولید خواهند نمود . جای تعجب نیست که رژیم فاشیستی شاه برای اجرا این طرحها که روشن شد هدفی جز منافع سرمایه داران را تعقیب نمیکند ، از نیروی کارگران شریف ، استفاده میکند و آنان را مجبور می سازد که اوقات فراغت خود را در امر ساختن این مجتمع های مسکونی که اهداف بالا را تعقیب میکنند صرف نمایند .

۲ - طرح وام بسکن

وام بسکن به کارگران نیز یکی از شیوه های تبلیغاتی رژیم شاه را تشکیل میدهد . بر اساس طرحهایی در این مورد به کارگران وام داده میشود تا خانه ای برای خود دست و پا کنند . ببینیم شرایط وام مذکور چیست :
اولا " ان دسته از کارگرانی که بیش از سه هزار تومان در آمد ماهیانه دارند می توانند از حد اکثر وام کارگری استفاده کنند . " ثانیا " حداکثر وام پرداختی ۲۵ هزار تومان است که به اقساط ۱۰ ساله پرداخت میشود . " ثالثا " بهره وام ۷/۵ درصد است . " (کیهان ۲۴ و ۲۶ اردیبهشت ۵۶) بخوبی روشن است که کمتر کارگری را میتوان یافت که

ماهی سه هزار تومان مزد دریافت کند ، تاجه رسد به بیشتر از آن . (رجوع شود به بخش دستمزد کارگران) .
 بحلاوه حتی اگر چنین کارگری نیز پیدا شود ، آیا با ۷۵ هزار تومان می تواند در شرایط ایران خانه سازی کرد ؟
 قیمت زمین ، سیمان ، اجر و خشت و . . . بقدری بالا می باشد که اساسا ساختن يك خانه قابل سکونتجا هبلغ
 مزرهبر بیشتر خیالپردازی است . هم چنین کارگری که وام مزرهبر را دریافت میکند می بایستی بیش از ۸۰ هزار
 تومان را در طول ۱۰ سال بردارد . و این بدان معنی است که کارگر مزرهبر ماهیانه حداقل ۶۶۰ تومان میبایستی
 بابت وام گرفته شده خود پس بدهد ، یعنی يك پنجم حقوق تخیلی سه هزار تومان . این است مفهوم وام مسکن
 رژیم به کارگران .

در شرایط حاکمیت ارتجاعی وابسته به امپریالیسم مشکل مسکن مانند هزاران مشکل دیگر قابل حل نبوده و
 واقعیات بالا تنها گوشه ای از وضع اسفناک می خانمانی کارگران وطن ماست . در مقابل وضع مزرهبر خوگسای
 کتیف هزار فاضل کمزادور - فتوال ایران کخهبای سریه آسمان کسیده برای خود و توله های خود میسازند و
 در آنها به خوشگذرانی می پردازند . طبقه کارگر ایران انتقام خود را از آنان خواهد گرفت و کخهبارا بر سرشان
 خراب خواهد کرد .

نگرشی کوتاه به مبارزات طبقه کارگر در چند سال اخیر

- ۱ - اعتصاب کارگران کارخانه اراک در اوایل سال ۵۴، حدود صد نفر ضمن حمله ساواک و نیروهای مسلح مجروح شدند.
- ۲ - در خرداد ۵۴ کارخانه کبریت سازی توکلی تبریز، کارگران دست با اعتصاب زدند.
- ۳ - در ۵ تیرماه ۵۴ کارگران کارخانه آزمایش در تهران با اعتراض به شرایط بد کار و کمبود دستمزدها دست با اعتصاب زدند.
- ۴ - اعتصاب کارخانه های نساجی شاهی با ۲۰۰۰ کارگر بطور اضافه دستمزدها در تیرماه ۵۴، ۴ تن کشته و ۱۲ نفر زخمی و تعدادی دستگیر بدست ۱ روز ادامه داشت.
- ۵ - کارکنان برق منطقه ای (۹۰۰ نفر) در تیرماه ۵۴ در میدان زاله دست به تظاهرات زدند. خواست آنها افزایش دستمزدها، اجرای بیمه های اجتماعی بود.
- ۶ - در تیرماه ۵۴ کارگران کارخانه فخرایران هوزمان با کارخانه آزمایش دست با اعتصاب زدند.
- ۷ - در تیرماه ۵۴ کارگران در کارخانه ارج دست با اعتصاب زدند.
- ۸ - ۱۲ / ۵ / ۵۴ کارگران کارخانه سیمان صوفیان برای اضافه دستمزدها اعتصاب نمودند.
- ۹ - در اواخر مرداد ۵۴ کارگران کارخانه جنرال موتور دست با اعتصاب زده که منجر بدستگیری ۳۵ کارگر و اخراج عده زیادی گردید.
- ۱۰ - در تابستان ۵۴ کارخانه چیت سازی بهشهر با ۲۳۰۰ کارگر اعتصاب کردند.
- ۱۱ - در ۵۴ مرداد کارخانه بهیاد بهشهر دست به اعتصاب میزنند.
- ۱۲ - اعتصاب در کارخانه های مینو و الوینیم اراک در نیمه سال ۵۴ که از طرف رژیم بشدت محکوم گردید.
- ۱۳ - اعتصاب کارگران ریستدگی و بافندگی وطن در اصفهان (نیمه دوم سال ۵۴)
- ۱۴ - اعتصاب کارگران قسمت موتوری شهرداری تهران در نیمه دوم سال ۵۴.
- ۱۵ - اعتصاب در کارخانه های تراکتور سازی تبریز و نورد اهواز با شرکت بیش از ۱۰۰۰ کارگر در نیمه دوم سال ۵۴.
- ۱۶ - اواخر مرداد ۵۴ کارگران قسمت رگلاژ موتور در کارخانه ایران ناسیونال دست با اعتصاب زدند، در این جریان ۶۰ کارگر اخراج شدند.
- ۱۷ - ۱۱ شهریور ۵۴ کارگران کارخانه " مارلی تکس " با خواست اضافه دستمزدها میزان ۳۰ درصد بهبود شرایط کار اعتصاب نمودند.
- ۱۸ - در شهریور ماه ۵۴ کارگران " توانیر " بخاطر افزایش دستمزدها اعتصاب نمودند که با " موران ساواک نیز درگیر شدند.
- ۱۹ - شهریور ۵۴ کارگران پالایشگاه تبریز بعلتگی دستمزدها اعتصاب نمودند.
- ۲۰ - اعتصاب کارگران چاپخانه در ۲۵ شهریور ۵۴.
- ۲۱ - اعتصاب کارخانه های کفش بلا و جم در مهرماه ۵۴.
- ۲۲ - اعتصاب کارگران برخی از کوره های آجرپزی تهران در مهرماه ۵۴.
- ۲۳ - اعتصاب کارگران کارخانه میلندر تهران در سال ۵۴.

۲۴- در سال ۵۴ با شاهد اعتصابات کارخانه های "نوکار" در بند عباس و "ساکا" بافنده تریکو در جاده کرج، پتروشیمی آبادان، اعتصاب دوباره سیان صوفیان، شیشه سازی های تهران بودیم .

۲۵- اواخر فروردین ۵۵ کارخانه لاستیک سازی بی اف گودریچ (۸۰۰ کارگر) جهت همبستگی با اعتصاب کارگران کارخانه لوله سازی اعتصاب کردند . خواست آنها اضافه دستمز در حدود ۳۰ درصد ، کاهش ساعت کار ، جلوگیری از اخراج کارگران و لغو جریمه غیبت بود .

۲۶- در ۴/۲/۵۵ کارخانه چیت سازی تهران (۵۰۰ کارگر) با خواست اضافه دستمز دست با اعتصاب زدند ، ضمن زد و خورد با پلیس تعدادی کشته و زخمی و عده ای بازداشت شدند . کارگران کارخانه های سیان ، سیلو ، چیت و چند کارخانه دیگر بناسبیت همدردی با برادران کارگر خود (چیت سازی) دست از کار کشیدند .

۲۷- اعتصاب ۳۰۰۰ کارگر در اردیبهشت ۵۵ در ۲۶ کارخانه مختلف .

۲۸- اعتصاب کارگران کشاورزی کت و صنعت فارس آباد مغان در ۲۹ اردیبهشت ۵۵ .

۲۹- در اردیبهشت ۵۵ کارگران کارخانه چیت سازی مینا در ۶ کیلومتری قزوین به علت بدی شرایط کار و پائین بودن دستمز اعتصاب نمودند .

۳۰- در اردیبهشت ۵۵ در کارخانه ارج (۲۱۵۰ کارگر) با خواست اضافه دستمز و بهبود شرایط غذای کارخانه دست با اعتصاب زدند .

۳۱- در ۲۵/۳/۵۵ اعتصاب کارگران نفت آبادان که ضجر بدستگیری ۱۶ کارگر گردید .

۳۲- اعتصاب کارگران کارخانه بلور سازی فرح آباد تهران در ۲۱ تیر ۵۵ .

۳۳- اعتصاب کارگران در کارخانه علامه الدین واقع در جاده کرج در ۵ مهر ۵۵ با شرکت ۱۵۰ نفر برای کاهش ساعات کار (کار ۱۲ ساعته) .

۴ روز ۱۱/۱۲/۴۱ هـ کارگران مبارز کارخانه شهباف رنست دست به اعتصاب زدند، این اعتصاب از ساعت ۱/۵ بعد از ظهر شروع شد و حدود ۶ عصر تمام شد. علت اعتصاب یکی این بوده که میبایست سه ماه سود ویژه به کارگران داده میشد ولی دو ماه میدهند. دیگر اینکه کارگران تقاضای افزایش دستمزد داشتند. صبح روز اعتصاب در بین کارگران بیج و بیخ بوده، بعد از تمام شدن شیفت اول، کارگرانی که برای عصرکاری آمده بودند جلوی در اجتماع کردند و به مدیر عامل خبر دادند که بیا تاها هم حرف بزنیم ولی وی فرامیگردد و از محل کارخانه دور میشود. پیشروان اعتصاب شش کارگر بودند که بلافاصله بقیه کارگران از زن و مرد بانها می پیوندند. ساواک و ژاندارمری در جریان دخالت کرده و کارخانه را محاصره میکنند. کارگران با شعارهای " ما سودمان را میخواهیم "، " حق مارا نخورید " به مقابله با آنها میروند! در این اعتصاب چهار ماشین کارخانه هم خراب میگردد. مدیر کارخانه از تهران با هواپیما به رشت میاید و مذاکره با کارگران اعتصابی شروع میشود و بالاخره بانها قول میدهند که سود ویژه را مطابق با سه ماه دستمزد بدهد. کارگران پس از آن به سرکار برمیگردند ولی تهدید میکنند که اگر این قول عملی نشود دست به اعتصاب و تظاهرات شدید میزنند. ساواک میخواهد پنج نفر از آنها را باخسود ببرد، آنها میگویند " حالاکه اینچیز است همه مارا ببرید " ساواک مجبور میشود جنگ و دندانش را فرو بکشد و در آن روز موفق بشکار کسی نمیکرد.

۳ در هفته دوم اردیبهشت ماه ۴۱ هـ کارگران معدن بزرگ ذغال سنگ طهران وابسته به شرکت ملی ذوب آهن در نزدیکی شاهرود به اعتصاب و تظاهرات شدیدی دست زدند این اعتصاب ادامه تقاضای مکرر کارگران برای افزایش دستمزد و داشتن وسایل ایمنی کار بود که به هیچکدام ترتیب اثر داده نشده بود. مسئولان معدن حتی پا را فراتر نهاده و حق ایزد کار ساعتی را که کارگران حقا از آن برخوردار بودند تقلیل دادند. در حال حاضر دستمزد یک کارگر ساده با دو سال سابقه کار چیزی در حدود ۱۶۷۷ الی ۱۹۷۷ ریال، دستمزد یک کارگر ماهر با ۵ سال سابقه کار حدود ۲۷۰ الی ۳۲۰ ریال است. این معدن حدود ۴۰۰ کارگر دارد. اعتصاب ابتدا از طرف کارگران نونل معدن شروع شد. باین ترتیب که از کار دست کشیدند و سپس در همان ساعات اول بقیه کارگران معدن را نیز در بر گرفت. کارگران تمام معدن را تحت تصرف خود در آورند. اعتصاب بزودی از شکل مسالمت آمیز خارج شده، کارگران با چوبهای پرجم داخل نونل، اهر و بیل به مسئولان امر حمله کرده و آنها را مفلک زدند. مسئله با اهمیت، اتحاد و یکپارچگی همه کارگران در کارها بود. منطقه پس از چند ساعت بمحاصره سربازان ملحق پادگان شاهرود درآمد ولی آنها دست بعمل مشخص در مقابل کارگران خشکین نزدند حتی در چند جا کارگران تفنگهای سربازان را گرفته و بعد از خالی کردن فشنگ، آنها را سرگردانیدند. هرگونه خشونت از طرف ارتش میتوانست عکس العمل شدیدی را از طرف کارگران باعث شود و مزدوران رژیم با توجه به همین امر همانطور که گفته شد در حالیکه محل را محاصره کرده بودند، دستور خشونت امزی ندادند. این اعتصاب و تظاهرات چهار روز ادامه داشت ولی این مدت مسئولین شرکت ملی ذوب آهن بدست و پا افتادند و بالاخره با هر درخواست کارگران موافقت کردند. درخواست دیگر نیز از طرف کارگران مطرح شده بود و آن اخراج چند " کارگر " بود که مسئولین با آن موافقت کردند. این افراد را کارگران شناخته و معرفی کرده بودند. چند روز پس از اعتصاب، ساواک طبق معمول دست بآزاد شد و ۶ نفر از کارگران را بازداشت کرد که هم اکنون در

زندانیهای دامغان و سمنان در سخت‌ترین شرایط شکنجه می‌شوند. در هفته آخر خرداد و دوفرد از کارگران مه‌سمن بعثت‌نداشتن وسایل خبری، بر اثر ریزش نازل و سد شدن راه نتوانستند موقعیت خود را گزارش کنند و دچار خفگی و مرگ شدند.

■ در بخش دیگری از گروه صنعتی بهشهر، مسئول امنیتی قسمت اعلامیه ای را که در باره اعتصاب کارگران جیت تهران بود پیدا میکند و برای خوش‌خدمتی آنرا به رئیس‌خود نشان میدهد. رئیس او را نزد سرپرست حفاظت کارخانه (در واقع رئیس امنیتی کارخانه) می‌فرستد. وی بمجرد دیدن اعلامیه مسئول امنیتی مزبور را شدیداً بیاد کتک و فحش میگیرد! که چرا در قسمت او باید یکجین چیزهای "ضربه ای" پیدا شود! باید یادآوری کرد که در این کارخانه و کارخانه های دیگر کلاسهای برای سرپرستان قسماً گذاشته اند که به آنها یاد میدهند که چگونه با کارگران برخورد کنند و چگونه بمحض احساس ناراضی از اعتصاب جلوگیری کنند و بالاخره چگونه کارگران را تحت کنترل داشته باشند. رشد مبارزات کارگران، دشمنان را به تلاشهای ضدبوجانه ای انداخته است.

■ در روز دوشنبه ۱۲ اردیبهشت کارگران کارخانه بسته بندی ایران از گروه صنعتی بهشهر دست به اعتصاب بکروزه برای اضافه دستمزد زدند. سپس کارگران قسمت تراشکاری گروه صنعتی بهشهر با درخواست اضافه دستمزد ابتدا بمدت ۳ روز در تیرماه و بعد بمدت ۴ روز از اول مردادماه دست به اعتصاب زدند، اعتصاب کارگران با پیروزی پایان یافت. کارگران بسته بندی ایران بار دیگر در روز دوشنبه ۸ شهریور دست از کار کشیده و اعتصاب در روز سه شنبه سه کارخانه را در برگرفت، و تا روز بعد ادامه داشت.

■ کارگران کارخانه جیت سازی تهران در تاریخ پنجم اردیبهشت بمدت ۵ روز دست به اعتصاب زدند.
 ■ در اواخر اردیبهشت ماه، کارگران کشت و صنعت پارس آباد (دشت مغان) دست به اعتصاب در روز "میزند".
 ■ در طی ماههای اردیبهشت و خرداد اعتصابات کارگری سپس در کوره پزخانه های تبریز و همچنین مرند و اردبیل صورت گرفت که مبهترین آنها با شرکت ۱۰۰۰ نفره از ۲۳ اردیبهشت تا ۲ خرداد ۵۵ پیروزمندانده ادامه داشت.
 ■ در جریان مبارزات کارگران جیتاری، قوه بی اف گودریج و بوتان گاز در اردیبهشت ماه ۵۵، موحی از پشتیبانی و کمک و همراهی در موسسات آموزشی نسبت به این مبارزات پدیدار گردید.

■ اعتصاب کارگران در شرکت کشت و صنعت مغان در اوایل تیرماه ۵۵، کارگران آبیاری شرکت به نشانه اعتراض به کیبود دستمزد روزانه خود که روزانه ۱۲۰ ریال است دست از کار کشیده و اعتصاب میکنند. این کارگران در شرایط بسیار بدی بسر برده و هیچ گونه تضمینی ندارند. هرگونه مقاومت آنها شدیداً سرکوب شده و کوچکترین "خلاف" آنها با جریمه نقدی مجازات میشود. از شدهای رایج دیگر سرکوب کارگران کم کردن چندروز از دستمزد و یا اخراج از کار است. در جریان اعتصاب اخیر نیز مدیریت شرکت نیز عکس العمل شدیدی از خود نشان داده و برای سرکوب نمودن کارگران اعتصابی که در حدود ۲۰۰ نفر بودند از ژاندارمری استمداد میکند. آنها نیز به کارگران حمله کرده، عده ای را کتک زده و حتی چند نفر را به فلک سیندند. اما این یورش ژاندارمها در اثر آگاهی کارگران اعتصابی با شکست روبرو میگردد و در نتیجه مدیریت شرکت سراسیمه دست بدامان سازمان امنیت اردبیل میشود. رئیس ساواک

ار دبیل شخصاً به دست مغان رفته و سعی در مرعوب نمودن کارگران ننماید . اوعده ای از کارگران را از سایرین جدا کرده ، آنها را بانی و مسبب اعتصاب قلمداد میکنند و شروع به تهدید آنها مینماید . کارگران اعتصابی قسمت ایباری شرکت علی ، رغم عملیات ارتعاب و سرکوب و کوشش نفاق افکنانه عمال رژیم به علت آگاهی و پایداری در مبارزه موفق میشوند اعتصاب را در حالیکه چندین روز به طول انجامید ، با موفقیت به پایان رسانند و مدیریت شرکت را مجبور به افزایش دستمزدها به ۱۴۵ ریال در روز بکنند .

۳ کارخانه مونتاژ مینی بوسهای ایتالیایی در پانزده کیلومتری جاده تهران - کرج واقع شده و یکمده و پنجاه کارگر که اکثر کارگران فنی میباشند ، در آنجا مشغول بکارند . این کارگران تحت شرایط دشوار کار کرده و بشدیدترین وجهی استثمار میشوند . کارگران در تیرماه ۵۵ بخاطر افزایش دستمزدها خود ابتدا خواستار مذاکره با مدیر کارخانه میشوند و چون او با این امر موافقت نمی نماید آنها شروع به کم کاری مینمایند و سطح تولید را تا مونتاژ یکده دستگاه مینی بوس در روز یائین میآورند . بعد از این کار است که مدیر عامل در مذاکره خود با سرکارگران وعده افزایش دستمزدها را میدهد . کارگران با اطمینان به این وعده دست از کم کاری برمیدارند ولی تا شهریور خبری از اضافه دستمزدها نمی شود و کارگران مجدداً دست به کم کاری میزنند بطوریکه تولید را به یک چهارم دستگاه در روز میسرانند . این بار مدیر عامل در مذاکره با کارگران اظهار داشت در صورتی به دستمزدها اضافه خواهد شد که کارگران قبلاً سطح تولید را به دودستگاه در روز برسانند . کارگران مونتاژ یک ونیم دستگاه را قبول میکنند و همچنین در این مذاکرات تأکید میشود که این اضافه دستمزدها شامل مردان ماه نیز میگردد ، از پرداخت دستمزدها بکارگران تا ۲۴ شهریور به بهانه اینکه دستمزدها بصورت اضافه شده یکجا پرداخت خواهد شد ، خود داری گردید تا اینکه در این روز مدیر عامل با افزایش دستمزدها ۵۰ تن از کارگران موافقت کرده و پرداخت اضافه دستمزدها بقیه کارگران را تحت عنوان اینکه تازه استخدام شده اند ، به عهده تعویق انداخت . کارگرانی که دستمزدها شان اضافه نشده بود از دریافت دستمزدها خود داری گردیدند و اعتراض کارگران ادامه یافت و هر روز بیش از ۳۰ نفر از کارگران غایب میشوند .

۴ در هفته دوم شهریور ۵۵ یکبار دیگر کارگران کارخانه پارس الکتریک دست باعتصاب میزنند . این بار تقریباً ۳۵۰ نفر از کارگران قسطنطین درودگری کارخانه بخاطر سود ویژه و ایجاد مهله کودک دست از کار میکشند . پلیس کارخانه را در محاصره میگیرد و در این جریان تمام کوشش این بوده که از سرایت اعتصاب بدیگر کارخانجات جلوگیری شود . بعد از اعتصاب در حدود ۲۷ نفر از کارگران را از کارخانه اخراج میشوند که در میان آنها دگرگانی با ۱۸ سال سابقه کار نیز موجود بودند . گفته میشود که در این جریان چند نفر نیز دستگیر شده اند .

۵ در کارخانه پشم رسی وحدت اصفهان چندین اعتصاب بخاطر افزایش دستمزدها صورت گرفته است . (۱۳۵۵)
 ۶ کارگران چاپخانه افست ۲۵ شهریور که ۴۰ کارگردارد و متعلق به انترف پهلوی ریش بانده هروئین فروشان است ، روز ۱۲ مهرداد دست باعتصاب زدند . کارگران اعتصابی خواهان دستمزدها بیشتر و پرداخت سود ویژه بودند . سال قبل مسئولین کارخانه سود ویژه کارگران را بالا کشیده و به هرکدام از آنها فقط هزار تومان پرداختند . امسال هم همین مفت خوری را تکرار کردند که با اعتراض واعتصاب کارگران روبرو شدند . اعتصاب بدین ترتیب صورت گرفت که کارگران قبل از تمام شدن کار خشت ساعته شان مانسینها را خاموش کرده ولی محل کارخانه را ترک ننکند و تا روز بعد

در محل کارخانه بست می نشینند . فردای آنروز گارد کارخانه با کک ارتش به کارگران حمله کرده و آنها را از کارخانه بیرون میرانند . در جریان این اعتصاب ۲۲ کارگر که ۱۰ نفر از کارگران ماهر و با سابقه عضو سندیکای کارگری بوده و بین ۳ تا ۱۸ سال سابقه کار داشتند دستگیر میشوند . بیورتنظامیان موجب نفرت نسبت به رژیم شاه و همستسگی با کارگران در چایخانه های تهران بوجود آورده بطوریکه در چند کارخانه جنبش جمع آوری کمک مالی برای کارگران اخراجی برپا افتاد . در این چایخانه مجله تماشای شکار و طبیعت ، کتابهای درسی و کتابهای جیبی بچاپ میرسد .

✽ در اوایل آبان ماه ۵۵ کارگران بندرهای خرسهر و بندر شاهپور دست به اعتصاب زدند . علت اعتصاب پائین بودن میزان دستمزد و طولانی بودن ساعات کار بود . مسئولین بندر در جریان اعتصاب برای درهم شکستن مقاومت کارگران ، از نیروی کارگران کُرد عراقی برای تخلیه بنادر استفاده میکنند که این امر با اعتراض کارگران مواجه گردیده و موفق میشوند پس از ۸ روز مسئولین بنادر را بعقب نشینی مجبور کرده و به خواسته‌هایشان برسند .

✽ از هفته اول آذرماه کارگران کارخانه خاور وارد اعتصاب پرداخته ای نده اند که تا اواخر آذرماه ۵۵ همچنان ادامه داشته است و تا این تاریخ بیش از ۶۰۰ نفر از کارگران این کارخانه را اخراج کرده اند . نیروهای مشترک ژاندارمری و پلیس از همان روز اول اعتصاب محل کارخانه را اشغال و نواحی اطراف آنرا محاصره کردند . بدینال یا - فشاری کارگران در اعتصاب و ادامه آن از هفته سوم نیروهای مسلح شاه خائن چند ده عدد مسلسل سنگین در صحن کارخانه کار گذاشتند . اخبار رسیده حاکی از آنست که کارگران دلیر این کارخانه مبارزه پرشوری را بجلو برده اند .

✽ صبح یکشنبه ۱۴ آذرماه ۵۵ کارگران کارخانه الکتریک رشت به مدت دو ساعت دست به اعتصاب زدند . علت اعتصاب اعتراض به تصحیحات مسئولین کارخانه بود . مقامات کارخانه حقوق کارگران و کارمندان تنها یک بخش از کارخانه (قسمت قالب سازی) را اضافه کرده بودند ، در حالیکه حقوق و دستمزد دیگران بدون تغییر باقی مانده بود . این امر موجب اعتصاب کارگران سایر قسمتهای این مجتمع عظیم صنعتی گردیده و اعتصاب از ساعت ۷/۵ صبح شروع گشت و تا ساعت ۱۰ ادامه داشت . ساواک فوری در جریان مداخله کرد . مقارن با این اعتصاب مقامات کارخانه ماده ای از قوانین کار را که به تازگی به تصویب رسیده بوده به اطلاع کارگران رسانیدند . این ماده بقراری است * کارگران هر کارخانه اگر برای بالا بردن سطح دستمزد اعتصاب کنند ، اینکار نه تنها موجب بالا رفتن دستمزدشان نمیشود ، بلکه این عمل مخالف اصل چهارم انقلاب است " .

✽ کارگران کارخانه استارلایت در اوایل آبانماه ۵۵ دست به اعتصاب زدند . درخواست کارگران این بود که مزایای حق اولاد بایستی به همه تعلق بگیرد . توضیح اینکه در این کارخانه تنها به بخشی از کارگران حق اولاد پرداخت می گردیده . بیکدیگر از علل اعتصاب ، اعتراض به اخراج کارگری بوده که پس از ۱۰ سال سابقه کار ، بدون حقوق و مزایا او را بیرون کرده بودند . در جریان اعتصاب پلیس و مأمورین ساواک به کارخانه ریخته و ۵ نفر از کارگران را بعنوان " خرابکار " دستگیر میکنند . این اعتصاب با قوی که مسئولین برای رسیدگی به درخواستها میدهند پایان میابد اما از آنجا که این قول عملی نمیشود ، کارگران مجدداً در تاریخ ۱۸ آذرماه دست به اعتصاب میزنند . در این اعتصاب مجدداً در سه قسمت از کارخانه ، کارگران چندین روز دست از کار کشیده بودند . در جریان اعتصاب اول کارگران با هتیماری

وجود د جاسوس ساواک را در صفوف خود کشف کرده و این مزدور کثیف را شدیداً کتک میزنند .

✽ در روزهای آخر بهماه ۵۵ اعتصاب متشکل کارگران کارخانه کبریت سازی تبریز در اثر پافشاری کارگران بروی خواسته خود با موفقیت به پایان رسید و حقوق کارگران از ۱۶ تومان به ۲۱ تومان افزایش یافت .

✽ روز چهارشنبه ۲۷ بهمن ۵۵ رانندگان تاکسی در تهران دست به اعتصاب گوناگونی زدند . این اعتصاب در اصل اعتراض به وضع نامطلوب اقتصادی و اجتماعی موجود بود .

✽ در طول سال ۵۵ کارگران يك کارخانه ساختمانی در بندر عباس بیش از ۵ بار اعتصاب کردند .

✽ در کارخانه ریسندگی و بافندگی ممتاز در طول سه ماه ۳ اعتصاب صورت گرفته است .

✽ ۵۰ تن از کارگران کارخانه کبریت سازی توکل در تبریز دست به اعتصاب زدند ، این اعتصاب ۵ روز بطول انجامید و با موفقیت به پایان رسید .

✽ در بندر پهلوی بدنهال کشته شدن يك ماهیگیر ، مردم شهر بهواداری از ماهیگیران برخاسته و تنفرو انزجار بارزیم همه شهر را در برهنگیرد .

✽ در سال ۵۵ کارگران کشتارگاه تبریز سه بار دست به اعتصاب میزنند . همچنین در اوایل سال ۵۶ نیز شروع به اعتصاب نموده و این اعتصاب سه روز بطول می انجامد .

✽ چاپخانه افست بنیاد پهلوی ۹ مقداری از کتابهای درسی مدارس را که اصلاً (۵۵) دولت چاپ و فروش آنرا انحصاراً بدست گرفته بود میبایستی در این چاپخانه چاپ شود . جندی پیش کارگران بخاطر افزایش مستمر به اعتصاب دست زدند و بهمین علت مسئولین امر بدست و پا افتاده و با موافقت مسئولین بنیاد پهلوی مصلحتی به دستمزدهای کارگران اضافه میکنند که کارگران از این افزایش ناراضی بوده و مدتی بعد از آن نیز با اعتصاب ادامه میدهند . رژیم چاپ کتابهای درسی را به غفلت سفارش میدهند که گند این مطلب در آمده و کوسر سواشی آن نواخته شد .

✽ روزهای ۲۸ و ۲۹ اسفندماه ۵۵ در کارخانه واحد ذوب آهن اصفهان تظاهرات عظیمی روی داد که در آن کلیه کارگران این قسمت بین ۸ تا ۱۰ هزار نفر در آن شرکت داشتند . تظاهرات بعلمت عدم پرداخت عیدی کاران بود . جریان زدن این ترتیب بود که روز ۲۵ اسفند عیدی کارندان پرداخت میشود ولی از عیدی کارگران خبری نمیشود . کارگران کارخانه که ماهیانه ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان دستمزد میگیرند همینکه میبینند که با وجود وعده های مکرر دولت از عیدی خبری نیست بخشم آمده و تظاهرات بزرگی بپا میکنند . ساواک کارخانه مثل همیشه برای سرکوب مبارزه دست بکار شده و از ژاندارمری ناحیه کتک میخواهد . (کارخانه ذوب آهن در منطقه حفاظتی ژاندارمری قرار دارد) مأموران ژاندارمری بلافاصله سرسرستند و افسر مربوطه دستور حمله به صفوف کارگران را صادر میکند ولی ژاندارمها حرکتی مبتنی بر قبول دستور از خود نشان نمیدهند . افسر مربوطه بمنظور خوش خدمتی شروع به فحش دادن به ژاندارمها و کارگران کرده و

قصد حمله به تظاهرکنندگان را میکند اما کارگران پیش دستی کرده و بقصد کشتن کتک میزنند و سپس او را در صندوق بزرگی انداخته و در محوطه کارخانه میگردانند . بالاخره ماموران ساواک دخالت کرده و فقط موفق میشوند هیکل نیمه جان افسر را از زیر دست و پای کارگران بیرون ببرند . بلافاصله پس از این تظاهرات مسئولین کارخانه مجبور به عقب نشینی شده و "عیدی" کارگران پرداخت میگردد .

■ يك چاپخانه دیگر در سرخه حصار که آنهم متعلق به اشرف پهلوی و چند سرمایه دار دیگر است تعطیل شده و کلیه کارگران اخراج شده اند . (سال ۵۵)

■ در زیر زمینی در محل نامعلومی از طریق آگهی در روزنامه (که البته مورد کار ذکر نشده) تعدادی کارگر استخدام کرده و مدتی چشم بسته به محل کار برده و برمیگردانند . پس از چند روز کارگران متوجه اوضاع غیرعادی محیط کار شده ، پیش خودشان شور کرده و به این نتیجه میرسند که از جفا که پس از اتمام کار بدلیل شک از اطلاع آنها از محل کار و اسرار آن ، آنها را سر نهیست نکند . پس از این مشورت تصمیم میگیرند که دیگر سرکار ، نظریه و به این منظور در محل قرار که هر روز جمع میشدند تا ماشین آنها را به محل کار ببرند ، حاضر نمیشوند . (مرداد ۵۵)

■ از تاریخ ۱۰ فروردین ۵۶ پیش از ۲۰ نفر از کارگران کارخانه مکت سازی در شهر صنعتی قزوین به منظور اعتراض به کمبود مزایای قبول داده شده از طرف صاحب کارخانه به آنها دست به اعتصاب زدند . میزان ضرر وارده شده به کارفرما در طول مدت اعتصاب روزانه حدود یک میلیون تومان تخمین زده شده است . بقیه کارگران از طریق کم کاری و قطع موقت تولید و غیره همبستگی خود را با کارگران اعتصابی نشان داده و با آنها همکاری میکردند .

■ رژیم ضد کارگری شاه با هیچ قانون و هیچ توطئه ای قادر به جلوگیری از مبارزات روبرشد کارگران نیست . اوایل بهار اسال (۵۶) روزی کارگران کارخانه شیشه سازی پارس تمام درهای کارخانه را از داخل قفل کرده ، کلیه آنها را بریدارند . در اتاق مدیر عامل را هم از بیرون قفل میکنند و از طریق تلفن داخلی از او میخواهند که حقوقهای آنها را افزایش دهند . باو خبر میدهند که درها را بسته اند و خبر کردن ساواک هفایده ای ندارد و بهر حال تارسیدن ساواک حسابش باک خواهد بود . مدیر عامل از ترس جان خود درخواست کارگران را قبول میکند و حقوق آنان را افزایش میدهد .

■ عده زیادی از کارگران کارخانه عظیم جنرال موتور ایران از تاریخ ۲۰ فروردین ۵۶ به منظور اعتراض به عدم پرداخت اضافه دستمزد و ترفیع کارگران ، دست به اعتصاب زدند .

■ در کارخانه ای کارگران قصد اعتصاب داشتند ، از آنجائیکه در هنگام اعتصاب ساواک دست به آزار کارگران میزند ، کارگران يك بخش از کارخانه از کارگر ساده تا سرکارگر ، به کارخانه آمده و با همبستگی بینظیری همه بدون

استفا استعفا نامه خود را می‌دهند . مدیر عامل کارخانه ساواک را خبر می‌کند ولی وقت ساواک با صفوف متحد کارگران رویرو می‌شود ، جازده و میگوید هیچ کاری نمی‌شود کرد چون کارگران اعتصاب نکرده اند ، بلکه استعفا داده اند . در نتیجه استعفا این بختر از کارخانه می‌خوابد و مدیر عامل مجبور می‌شود درخواستهای کارگران را قبول کند تا کارگران استعفای خود را پس بگیرند .

■ عده ای از زحمتکشان ^۱گردد که در قسمت تخلیه بار در شهر جلفا مشغول بکار هستند ، چندی پیش بعلمت نازل بودن دستمزد دست به اعتصاب زدند و از رئیس مربوطه درخواست اضافه دستمزد کردند . رئیس مسئول در مقابل به سازمان اذیت خریدارده و طلب کمک میکند . مامورین جنایتکار ساواک به صفوف زحمتکشان حطه کرده و عده ای از آنان را ضرب می‌سازند . اما سرانجام بعلمت همسنگی و پایداری آنان رئیس مسئول مجبوره عقب نشینی و قبول خواسته های بحق آنان می‌گردد .

■ اخیرا کارگران کارخانه بی اف گودریچ مجددا دست به اعتصاب زدند ، عده ای از دانشجویان در حین اعتصاب به محل اعتصاب رفته با اعلام همسنگی با بارزه کارگران در میان آنان اعلامیه پخش میکنند . این مسئله مورد استقبال کارگران واقع گشته و بسیاری از اعلامیه ها را گرفته و خود پخش کرده اند .

■ در مرداد ماه ۵۶ رفتگران رشت بعلمت اعتراض به عقب افتادن ^۲ پرداخت بااداشها بصدت چند روز اعتصاب کردند . یکی از شعارهای اعتصاب کنندگان این بود " یا جان خود را می‌دهیم یا حق خود را میگیریم " .

I. S. A.
Denton

www.iran-archive.com



CONFEDERATION OF IRANIAN STUDENTS (NATIONAL UNION)
Conföderation Iranischer Studenten/Confédération des Etudiants Iraniens

Adresse:

C I S N U
Postfach 190 150
6000 Frankfurt 19
West Germany

کفدراسیون دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

Bankverbindung:

C I S N U
Dresdner Bank AG Ffm
BLZ. 500 80000
Konto Nr. 7 10e 103
Frankfurt / West Germany

قیمت ۱ / ۵ مارك